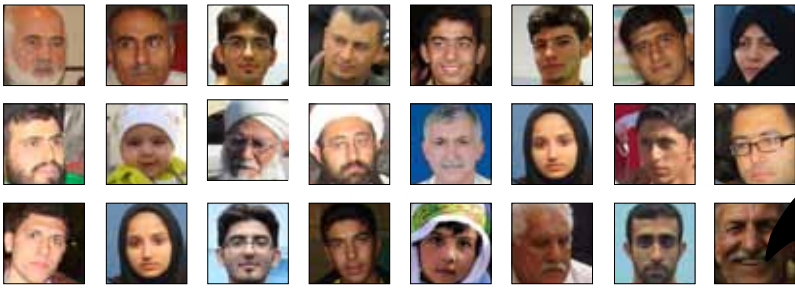


# با کلوخ به جنگ تانک می رویم



۶



پرونده تلخ ترین تصادف های این سالها

## خراش های بر روح گراش

دهد، وقتی کسی گوش نمی کند. مرور خاطرات تلخ ما از تصادف هایی که جان برخی از مهربان ترین همشهریانمان را گرفت شاید هشدار باشد که هر گاه پشت فرمان خودرو یا روی زین موتورسیکلت می نشینیم کمی محتاط تر باشیم. این پرونده تلخ بود با خراش هایی که هر چند ممکن است التیام نیابد اما برای درمان گاهی باید تلخی را نوشید و شنید.

بسیار بالاتر از استانداردهای جهانی است. رانندگی در ایران به اندازه راه رفتن روی بند خطرناک است. با وجود همه این خطرات گریزی از وسایل نقلیه موتوری نیست. بدون موتور و ماشین نمی شود زندگی کرد. گاهی فکر می کنیم که راه حلی وجود ندارد. پلیس راهنمایی و رانندگی عوامل انسانی را مهمترین دلیل وقوع تصادف های رانندگی می داند. یعنی بهترین کار فرهنگ سازی است. اما چه کسی باید این کار را انجام

هر سال تقریباً ۶ گراشی به خاطر تصادف کشته می شوند. سال ۸۷ با ۱۱ مرگ، از این نظر تلخ ترین سال برای گراشی ها بود. امسال تا اینجای کار ۴ نفر جان باخته اند و معلوم نیست این شتر به کجا سفر کند. پیاده یا دوجرخه یا ماشین لوکس فرقی نمی کند ممکن است هر کسی قربانی یک لحظه غفلت خود یا غفلت یک راننده ناشناس شود. آمارهای تصادف در ایران وحشتناک، نگران کننده و

۳

### خبر

#### چراغ شاهچراغ در گراش روشن شد

با حضور مشاور عالی تولید استان احمد بن موسی (ع) دفتر استان مقدس شاهچراغ (ع) در ساختمان امور بانوان مدیریت آموزش و پرورش گراش واقع در مجموعه آموزشی کوثر فعالیت خود را آغاز کرد.



۳

### فرهنگ

#### افتتاح کتابخانه آبشار اندیشه، کلنگ زنی کتابخانه محبی

در سفر مدیرکل استان های نهاد کتابخانه های عمومی کشور کلنگ کتابخانه شماره یک گراش به زمین زده شد و کتابخانه آبشار اندیشه افتتاح شد.

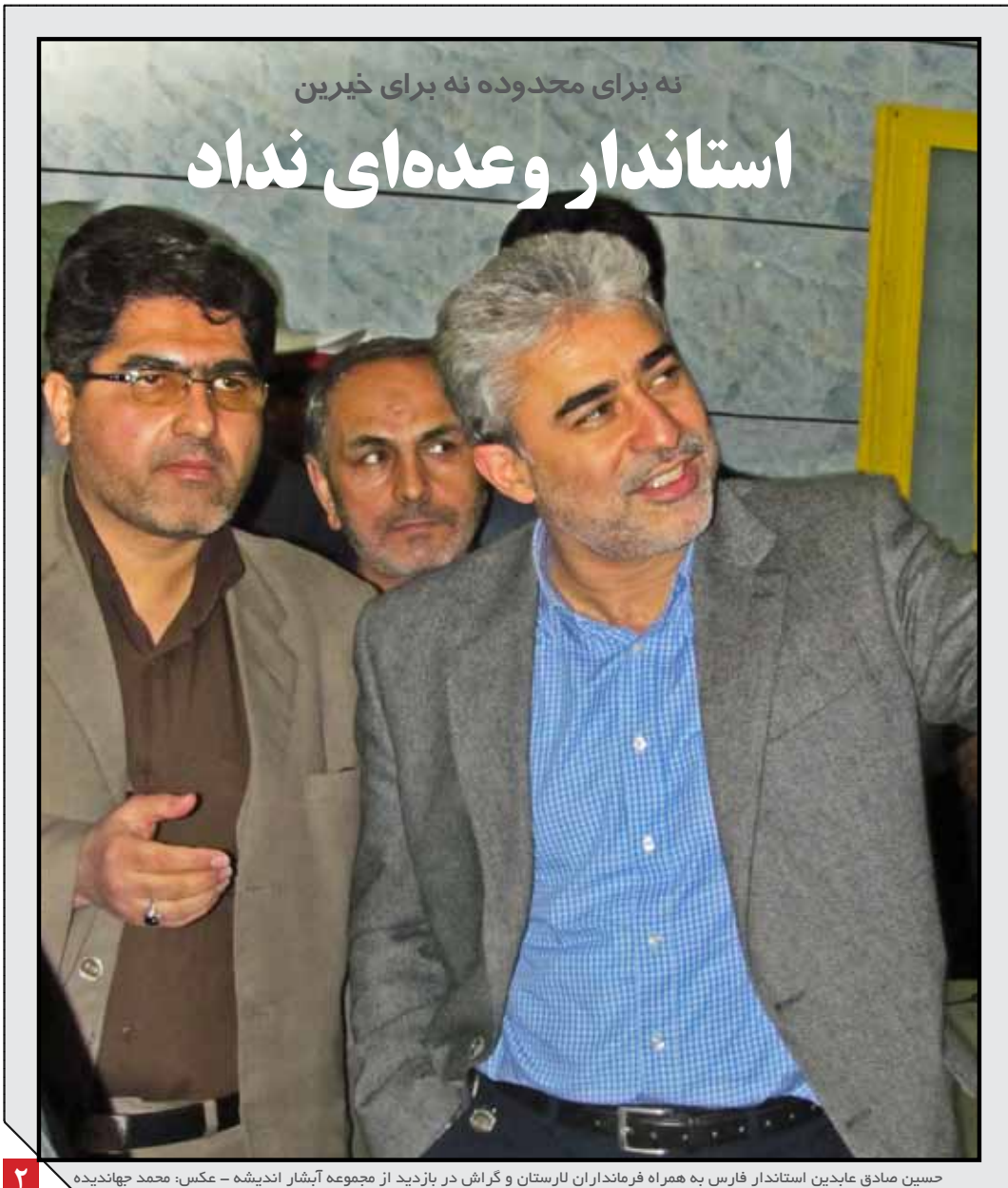


۲

مجمع امور صنفی اعلام کرد:

## ۳۰ دی ماه آخرین مهلت گرفتن پروانه کسب

۷



حسین صادق عابدین استاندار فارس به همراه فرمانداران لارستان و گراش در بازدید از مجموعه آبشار اندیشه - عکس: محمد جهاندیده

### آگهی های افسانه

**عبدالرضا حسین پور**  
موفقیت شما در کلاس ارتقا، داوری فونال و اخذ درجه ملی مانه افتخار و مباحث ماست. توفیق روزافزون تان را از خداوند ممان خواستاریم.  
لحظه غلامی، حامد بابا احمدی، عطی هوشیار

**بازرگانی نبض اقتصاد جنوب**  
Pulse of south Economy Co  
مشاور امور گمرکی، ثبت سفارش، ترخیص کالا به صورت فیکسی و حق العمل کاری  
تحويل کالا از چین و دبی ترخیص از طریق گمرک چابهار و بندرعباس  
www.poseco.ir  
تلفن: ۰۹۱۲-۱۴۰۶۱۷۱ / ۰۹۱۲-۱۷۷۵۱۳۳ / ۰۹۱۲-۰۹۱۲  
شماره ثبت: ۲۷۰۱۸

**خرید و فروش لوازم قدیمی**  
آدرس: گراش سنتر، طبقه پایین  
۰۹۱۷۲۲۲۶۹۱۹

**علی جان و فاطمه عزیزم**  
۸ محرم سالروز تولدتان، مصادف با همایش جهانی حضرت علی امیر (علیه السلام) است. الکویتان کوچکترین سرریز کرپا باشد.  
بابا و مامان

**شرکت زعفران الخيام**  
عرضه کننده انواع عطر و ادکلن  
عرضه کننده انواع عطرها، عود، بخور، عود و...  
تلفون: ۰۴-۲۳۵۲۴۴۵ / فاکس: ۰۴-۲۳۵۲۴۴۶ / ص.ب: ۴۲۴۸۷ / قرب سوق الذهب، شارع البدور، دیره دبی - ا.ع.م. مدیریت: سپهر  
E-mail: alkhamyazafra@hotmail.com Badoor Road, Near Gold Soup, Dubai U. A. E E-mail: alkhamyazafra@yahoo.com

**فروشگاه پوشاک سالسا**  
به چند فروشنده آقا یا خانم و به چند خانم خیاط نیازمند می باشد!  
۰۹۳۹۱۸۲۳۳۸

**دختر عزیزم، پریسا جان**  
بهترین آهنگ من تپش قلب توست و قشنگ ترین روز، روز شکفتن ات.  
۲۱ دی سالروز تولدت مبارک  
ملک و خواهر زاده امیرعلی

**نمایندگی فروش در ایران**  
۰۹۱۷۱۷۲۲۳۰۰۷ - رسمی  
**چای طالب زارین**  
TALIB TEA ZARIN



کتابخانه عمومی شماره دو گراش ۱۵ ماه پس از واگذاری به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افتتاح شد.  
به گزارش گریشنا مدیرکل استان‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و مدیرکل نهاد استان فارس ۲۲ آذر ۹۱ کتابخانه عمومی آبشار اندیشه را افتتاح کردند و کلنگ ساخت کتابخانه محبی را نیز به زمین زده زدند. کتابخانه آبشار اندیشه در مجموعه فرهنگی ورزشی آبشار اندیشه و با هزینه تقریبی یک میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ به پایان رسید. این کتابخانه فعالیت خود را از یک سال پیش آغاز کرده بود اما افتتاح رسمی آن دو بار به تاخیر افتاد.  
حجت‌الاسلام سیدعلی حسینی مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور که برای افتتاح کتابخانه به گراش سفر کرده بود در سخنان خود با اشاره به سابقه تمدن اسلام در نشر کتاب گفت: در قرون گذشته بزرگترین کتابخانه‌ها در جهان اسلام قرار داشت.  
حجت‌الاسلام اسماعیل پور مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان فارس نیز در این جلسه قول داد که به اندازه کتاب‌های موجود در کتابخانه از سوی اداره کل فارس کتاب به کتابخانه آبشار اندیشه داده شود. اسماعیل پور در این مراسم لوح تقدیر خیر نمونه را به عبدالملک و خوشروی سازنده کتابخانه آبشار اندیشه اهدا کرد. این لوح را احمد نوروزی نماینده خیر دریافت کرد.  
قاسمعلی وقارفر رئیس هیات مدیره آبشار اندیشه درباره روند ساخت کتابخانه آبشار اندیشه گفت: کتابخانه آبشار اندیشه طی هشت سال با هدف ایجاد فضایی برای تولید اندیشه و فکر ساخته شد. در واقع بخش‌های ورزشی مجموعه در سایه کتابخانه ساخته شده است. وقارفر با توجه به هزینه ۵ میلیاردی ساخت این کتابخانه گفت: توقع همکاری بیشتری داریم. نهاد برای تجهیز کتابخانه همکاری کند.  
مهندس کریمی فرد فرماندار گراش درباره مشخصات این طرح گفت: کتابخانه عمومی آبشار اندیشه در مساحت سه هزار متر و زیربنا ۲۲۰۰ متر در دو طبقه ساخته شده است. وی با اشاره به خدمات سازنده مجموعه آبشار اندیشه گفت: جناب خوشروی با شناخت دقیقی از نیازهای زمان و منطقه اقدام به ساخت مجموعه‌ای کرد که نمونه‌ای در شهرستان‌های استان فارس ندارد.  
فرماندار از مسئولین نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور درخواست کرد هر چه سریع‌تر جارت سازمانی نهاد کتابخانه‌های عمومی گراش تصویب شود و افراد مورد نظر از طریق آزمون‌های استخدامی جذب شوند.

**کتابخانه‌های برای مرکز شهر**

کتابخانه قدیمی گراش اکنون در یک ساختمان اجاره‌ای قرار دارد. با حضور مدیرکل استان‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی گراش کلنگ ساختمان کتابخانه در محل قدیمی آن به زمین زده شد. کتابخانه عمومی قدیمی گراش به پاس گرمیاداشت نخستین خیر آن به نام کتابخانه محبی نامگذاری شده است.  
به گفته جعفرزاده سرپرست اداره کتابخانه‌های عمومی گراش این کتابخانه قرار است در دو طبقه با زیربنا ۱۷۰ متر ساخته شود. هزینه شروع عملیات ساختمانی از محل سهم کتابخانه‌های عمومی از درآمد شهرداری و همچنین کمک شهرداری به مبلغ ۱۱۰ میلیون تومان تأمین می‌شود. هیات امنای کتابخانه‌های عمومی گراش امیدوارند که تکمیل این پروژه با کمک خیرین انجام شود.



عبدالرضا حسین‌پور با موقیقت در کلاس ارتقا به جمع داوران ملی پیوست



مسابقات ورزشی روز وحدت حوزه و دانشگاه- عکس: افشار



کوهپیمایی به مناسبت ۹ دی- عکس: اداره ورزش و جوانان



فاطمه لطافت در اولین حضور استانی سوم شد- عکس: اداره ورزش و جوانان

**در سفر ۱۷ ساعتی به گراش و لارستان**

**استاندار وعده‌ای نداد**

حسین صادق عابدین استاندار فارس ۱۲ دی ماه به گراش آمد. گراشی‌ها که تمرکز خواسته‌های خود را بر روی موضوع تعیین محدوده شهرستان گذاشته بودند در دو جلسه صحبت استاندار نقطه امیدی ندیدند. صادق عابدین بر خلاف بارهای قبل از خیرین نیز خواست خواسته‌هایشان در چارچوب قانون باشد. تنها نقطه امید وعده راه‌اندازی پلیس ۱۰+ و اداره ثبت اسناد تا چند وقت آینده بود ولی با این اوضاع امید به راه‌اندازی ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تأمین اجتماعی و میراث فرهنگی در آینده نزدیک امید داشت.

شهره‌اند خیری با هزینه شخصی خود در خیابان یا مکانی مشابه به احداث مسجد یا حسینیه اهتمام نماید و چنین امری را شما خیرین می‌پسندید؟ حتی همین امور خیر نیز باید براساس قوانین جاری جمهوری اسلامی انجام شود.  
مورد بهره‌برداری قرار گرفت.  
ثبت و پلیس ۱۰+ می‌آید مشکل نیرو برای اداره ثبت اسناد و املاک گراش قرار است سرانجام حل شود. استاندار فارس همچنین گفت: طبق تماسی که با سردار سجادیان داشتیم، مقرر گردید تا پایان ماه جاری پلیس ۱۰+ که از خواسته‌های اصلی مردم بود، در این شهر استقرار یابد. تخصیص کتاب برای کتابخانه آبشار اندیشه نیز بخشی دیگری از راه‌آورد سفر استاندار فارس به گراش بود. استاندار از گراش راهی لار شد. دو شهری که تا پایان اسامال منظر تصمیم استاندار برای تعیین محدوده هستند یا شاید صادق عابدین نیز همانند مسئولین قبلی حل این مساله مناقشه برانگیز را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کند. به هر حال انتخابات حساس ریاست جمهوری و شورا در پیش است.

**مردم این شهرستان بران**

طرح شده حل مشکل محدوده شهرستان‌های لارستان و گراش بود. استاندار تعیین محدوده را نیازمند کار کارشناسی دانست و گفت: «ما در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران مرزی نداریم و همه ما جزو ایران هستیم. اگر التزام به ولایت داریم باید الزامات آن از جمله قانون را نیز بپذیریم.»  
استاندار آب پاک روی دست همه ریخت و گفت: «تفاوت سه سال پیش نباید تکرار شود. مساله حدود کار کارشناسی نگاه می‌بندن نگاه‌قومیتی می‌خواهد. این مساله را در بخش تقسیمات کشوری استانداری پیگیری می‌کنیم. حل مساله نیازمند فضای آرامی است که شما باید کمک کنید.»  
صادق عابدین در شورای اداری لارستان نیز در سخنانی کوتاه دعوت به آرامش کرد: «همدلی و کنار گذاشتن اختلافات جغرافیایی و قومی، مهم ترین عامل برای مقابله با نقشه‌های تفرقه آمیز دشمنان است.»  
که مردم این شهرستان بران

**خبر مرتبط**

۹ نفر در اداره مالیات گراش استخدام می‌شوند  
سازمان امور مالیاتی کشور نه نفر را برای کار در شهرستان گراش استخدام می‌کند. بر اساس اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور ثبت‌نام آزمون استخدامی سازمان امور مالیاتی تا ۶ بهمن‌ماه در سایت azmoon.intavat.ir انجام می‌شود. شرایط شرکت در این آزمون در سایت درج شده است.  
بر اساس جدول نیروهای مورد نیاز ۹ نفر برای اداره مالیات شهرستان گراش استخدام خواهند شد. از این تعداد ۷ نفر با مدرک مدیریت، حسابداری و اقتصاد به عنوان کارشناس امور مالیاتی، یک نفر با مدرک مهندسی کامپیوتر به عنوان کارشناس نرم‌افزار و یک نفر با مدرک کارشناسی سخت‌افزار با برق به عنوان کارشناس سخت‌افزار استخدام خواهند شد. به جز ۹ نفر سهمیه گراش، هشت نفر در اوز و ۲۰ نفر نیز در لارستان استخدام می‌شوند. هزینه شرکت در آزمون استخدامی ۹ هزار تومان است و آزمون استفاده سال ۱۳۹۱ برگزار خواهد شد.

**خبر مرتبط**

معاون فرماندار لارستان سرپرست فرهنگ گراش شد  
در حالی که راه‌اندازی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گراش از اولویت خارج شده است، معاون فرمانداری لارستان به عنوان سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان منصوب شده است تا مدیریت فرهنگی شهرستان گراش نیز زیر نظر فرمانداری لارستان قرار بگیرد. در جلسه شورای اداری شهرستان گراش که با حضور استاندار فارس برگزار شد تأسیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان خواسته‌های مطرح شده از استاندار فارس دیده نمی‌شد.  
مقیمی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان پیش از این در دانشگاه علمی کاربردی حضور داشته است. وی در یکی از نخستین اقدامات خود محل این اداره را از شهر قدیم به شهر جدید لار منتقل کرد. مقیمی قرار است سرپرستی موقت باشد و در آینده نزدیک رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان معرفی شود.

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی



دیدار استاندار فارس از گزارش شهدای گراش/عکس: محمد جهانپدیده

به گزارش خبرنگار گریشنا حسین صادق عابدین استاندار فارس ساعت بیست سه‌شنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۹۱ از لامرد وارد گراش شد. استاندار فارس در بدو ورود ضمن بازدید از مجموعه فرهنگی ورزشی آبشار اندیشه در کتابخانه این مجموعه سخنان عده‌ای از خیرین و معتمدین شهر گراش را شنید. صبح ۱۳ دی استاندار بازدید از برخی امکانات گراش داشت و در بیمارستان دستگامه سی‌تی‌اسکن راه‌اندازی کرد. حضور او در شورای اداری گراش و بعد لار نیز زمانی مسلوی و حرف‌هایی مشابه داشت.  
در ایران مرز نداریم  
در جلسه آبشار اندیشه جعفر رسولی نژاد، رحمت مهبایی و مرضی فتحی به عنوان رییس شورای شهر سه نفری بودند که بخشی از خواسته‌ها و گلایه‌های گراشی‌ها را مطرح کردند. مهم‌ترین خواسته

**خبر مرتبط**

۹ نفر در اداره مالیات گراش استخدام می‌شوند  
سازمان امور مالیاتی کشور نه نفر را برای کار در شهرستان گراش استخدام می‌کند. بر اساس اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور ثبت‌نام آزمون استخدامی سازمان امور مالیاتی تا ۶ بهمن‌ماه در سایت azmoon.intavat.ir انجام می‌شود. شرایط شرکت در این آزمون در سایت درج شده است.  
بر اساس جدول نیروهای مورد نیاز ۹ نفر برای اداره مالیات شهرستان گراش استخدام خواهند شد. از این تعداد ۷ نفر با مدرک مدیریت، حسابداری و اقتصاد به عنوان کارشناس امور مالیاتی، یک نفر با مدرک مهندسی کامپیوتر به عنوان کارشناس نرم‌افزار و یک نفر با مدرک کارشناسی سخت‌افزار با برق به عنوان کارشناس سخت‌افزار استخدام خواهند شد. به جز ۹ نفر سهمیه گراش، هشت نفر در اوز و ۲۰ نفر نیز در لارستان استخدام می‌شوند. هزینه شرکت در آزمون استخدامی ۹ هزار تومان است و آزمون استفاده سال ۱۳۹۱ برگزار خواهد شد.

**خبر مرتبط**

معاون فرماندار لارستان سرپرست فرهنگ گراش شد  
در حالی که راه‌اندازی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گراش از اولویت خارج شده است، معاون فرمانداری لارستان به عنوان سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان منصوب شده است تا مدیریت فرهنگی شهرستان گراش نیز زیر نظر فرمانداری لارستان قرار بگیرد. در جلسه شورای اداری شهرستان گراش که با حضور استاندار فارس برگزار شد تأسیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان خواسته‌های مطرح شده از استاندار فارس دیده نمی‌شد.  
مقیمی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان پیش از این در دانشگاه علمی کاربردی حضور داشته است. وی در یکی از نخستین اقدامات خود محل این اداره را از شهر قدیم به شهر جدید لار منتقل کرد. مقیمی قرار است سرپرستی موقت باشد و در آینده نزدیک رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان معرفی شود.

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی

**خبر مرتبط**

معاون فرماندار لارستان سرپرست فرهنگ گراش شد  
در حالی که راه‌اندازی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گراش از اولویت خارج شده است، معاون فرمانداری لارستان به عنوان سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان منصوب شده است تا مدیریت فرهنگی شهرستان گراش نیز زیر نظر فرمانداری لارستان قرار بگیرد. در جلسه شورای اداری شهرستان گراش که با حضور استاندار فارس برگزار شد تأسیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان خواسته‌های مطرح شده از استاندار فارس دیده نمی‌شد.  
مقیمی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان پیش از این در دانشگاه علمی کاربردی حضور داشته است. وی در یکی از نخستین اقدامات خود محل این اداره را از شهر قدیم به شهر جدید لار منتقل کرد. مقیمی قرار است سرپرستی موقت باشد و در آینده نزدیک رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان معرفی شود.

**خط خبر**

۱ دی: با همت کانون دانشجویان و دانش‌آموختگان گراش از خدمات علی‌اصغر حسینی در طول دوره نمایندگی مجلس تقدیر شد.  
۳ دی: از سوی جهاد دانشگاهی اعلام شد که خیرگزاری‌های ایسنا و ایکن دهه‌فجر اسامال در گراش افتتاح می‌شود و کلنگ مرکز نابابوری به زمین زده خواهد شد. مرکز نابابوری از تابستان اسامال فعالیت خود را در مدرسه فانی‌زاده شروع می‌کند.  
۳ دی: در دیدار دختران جوان با فرماندار طرح کمک به معلولان کم توانی ذهنی ارائه شد.  
۴ دی: همایش قرآنی نیروی انتظامی در سالن سراجی برگزار شد.  
۵ دی: نیروی انتظامی اعلام کرد: بر اساس مصوبه کارگروه اتباع خارجی مردم می‌بایست قبل از اجاره واحدهای مسکونی و تجاری به اتباع خارجی با نیروی انتظامی هماهنگی لازم را به عمل آورند.  
۶ دی: با حضور نمایندگان تولیت آستان مقدس احمدین موسی<sup>۹</sup> دفتر آستان مقدس شاه‌چراغ<sup>۹</sup> در ساختمان امور بانوان مدیریت آموزش و پرورش گراش واقع در مجموعه آموزشی کوثر فعالیت خود را آغاز کرد. حاج احمد درویشی رییس سابق اداره آموزش و پرورش گراش سرپرستی این دفتر را برعهده دارد.  
۱۰ دی: مهندس سلمان مهربانی سرپرست اداره راه و شهرسازی گراش از آغاز عملیات بهسازی و ایمن سازی بیج برحدانه در محور گراش - اوز خبر داد. عملیات راهداری و ایمن سازی به طول ۳ کیلومتر در دوطرف مسیر آغاز شده است.  
۱۷ دی: یک خودرو پیکان با انحراف به راست وارد بلوار سعادت شد. این حادثه تلفات جانی نداشت.  
۱۷ دی: جلسه توجیهی مدیران برای انتخاب معلم نمونه برگزار شد. معلم‌های نمونه مدراس تا پایان دی ماه باید معرفی شوند.  
۱۸ دی: عنایت الله انصاری فرد حکم مدیرکلی فرودگاه بین المللی لارستان را دریافت کرد. قرار است این فرودگاه به نام فرودگاه آیت الله آیت‌اللهی نامگذاری شود.  
۲۰ دی: هیات بیرون عترت مسابقه چهل حدیث ویژه خواهران را برگزار کرد.  
۲۱ دی: آزمون استخدامی استانداری فارس برگزار شد. در این آزمون چهار نفر برای اداره منابع طبیعی گراش استخدام خواهند شد.  
۲۱ دی: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس از توقف عملیات تسطیح و ساخت وساز در شهر تاریخی «ماخرد» واقع در دهستان خلیلی گراش خبر داد و گفت: با اعزام تیم کارشناسی این اداره کل به محل، هر گونه عملیات ساخت و ساز در شهر تاریخی مذکور متوقف شد.  
۲۱ دی: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس از توقف عملیات تسطیح و ساخت وساز در شهر تاریخی «ماخرد» واقع در دهستان خلیلی گراش خبر داد و گفت: با اعزام تیم کارشناسی این اداره کل به محل، هر گونه عملیات ساخت و ساز در شهر تاریخی مذکور متوقف شد.

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی

**خبر مرتبط**

مسابقه ۴انبه فوتسال یادواره زنده یاد محمود کهنسال که اخیراً در سانحه رانندگی چشم از جهان فرو بسته بود در دهستان فداغ برگزار شد. در پایان تیم شهید قاسم نژاد بر سکوی اول ایستاد و تیم فرهنگیان دوم شد. از سوی شورای ورزشی روستا به تیم های برتر جوایز اهدا شد.  
در آزمون ۱۵ دی‌ماه طرح آسیا ویژن از میان ۳۹ بازیکن زیر ۱۵ سال دعوت شده نام پاس صداقت و احمدرضا محمودی از گراش دیده می‌شود. مجتبی شیرشمسی در رده زیر ۱۷ سال تنها گراشی انتخاب شده است. این انتخاب می‌تواند راه این بازیکنان را برای حضور در تیم‌های ملی





حضور استاندار فارس در شهرستان گراش موجب مسرت گردید و جای سیاست دارد و امید که موجد برکت و توسعه هم باشد.

به عنوان نماینده چند نیکوکار در جلسه فرهنگسرای آبشاراندیشه در خدمت ایشان بودیم هر چند در فرصت کم آن جلسه مجال چندانی برای بیان صحبت‌های نمایندگان مردم و خیرین فراهم نشد اما پاسخ‌ها و سخنان استاندار محترم جای تامل داشت:

جناب آقای مهندس صادق عابدین نصیحت شما در ایجاد وحدت و همدلی دو شهرستان لار و گراش حول شعار ولایت‌گرایی پسندیده بوده ولی احساس شما که به نظر می‌آید توقع مردم گراش را توهم و یادطلبی می‌داند قابل نقد است. به خصوص اشاره شما به این که در سال ۱۳۴۵ شما شهرستان نبوده‌اید نشان می‌دهد که جایگاه قانونی این درخواست را قبول ندارید و ای کاش بعد از نصیحت خیرخواهانه، از مدعیان موضوع، درخواست مستندات قانونی می‌گردید که این حقیر در این مقاله توجه شما را به آن جلب می‌کنم. باشد تا به دور از فشارهای طرفین در چارچوب قانون تصمیمی منطقی اتخاذ گردد.

۱. قانون تقسیمات کشوری در مورد تعیین محدوده استحقاقی چه می‌گوید؟  
تبصره ۴ از ماده ۴ قانون تقسیمات، حوزه استحقاقی هر شهر تابع قوانین ثبتی آن منطقه است.

۲. محدوده پلاک ثبتی تحت عنوان گراش تا کجاست؟

مرز شرقی پره‌های بالا سرخ، مرز شمالی تنگ مسجد، مرز غربی بن عمار و برکه امیر و مرز جنوبی کوه سیاه

۳. چرا انجمن شهرستان لار با حضور نماینده وزارت کشور در جلسه تعیین محدوده شهرهای این شهرستان از جمله لار، گراش، اوز و ... در سال ۱۳۴۵ مرز بین شهر گراش و لار را پره‌های بالا سرخ معین و به تصویب نهایی رسانده است؟

۴. تغییر نقطه مرزی به چه صورت و طی چه قانونی و در چه سالی اتفاق افتاده و آیا به تصویب نهایی رسیده یا به همان دلایل قانونی تصویب نشده و فقط قدرت اجرایی و فشار سیاسی جمعی از کارشناسان را وادار به ارائه چنین طرحی و ایجاد اختلافات و تنش بین دو شهر و لایه نموده است.

جواب این سوال بر عهده حضرت تعالی.

اعضای منصف جلسه در چارچوب قانون و با توجه دقیق به محدوده ثبتی و پلاک‌های تعریف شده سازمان ثبت اسناد و املاک که منطقه معروف کاوند با مرز شرقی پره‌های بالا سرخ به عنوان پلاک شماره ۲۷۵۸/۱۰۸۲۷ واقع در منطقه ۵ بخش ۱۸ فارس - گراش ثبت و ضبط نموده همان نقطه را به عنوان مرز دو شهر معین کرده‌اند.

۴. تغییر نقطه مرزی به چه صورت و طی چه قانونی و در چه سالی اتفاق افتاده و آیا به تصویب نهایی رسیده یا به همان دلایل قانونی تصویب نشده و فقط قدرت اجرایی و فشار سیاسی جمعی از کارشناسان را وادار به ارائه چنین طرحی و ایجاد اختلافات و تنش بین دو شهر و لایه نموده است.

جواب این سوال بر عهده حضرت تعالی.

۴. تغییر نقطه مرزی به چه صورت و طی چه قانونی و در چه سالی اتفاق افتاده و آیا به تصویب نهایی رسیده یا به همان دلایل قانونی تصویب نشده و فقط قدرت اجرایی و فشار سیاسی جمعی از کارشناسان را وادار به ارائه چنین طرحی و ایجاد اختلافات و تنش بین دو شهر و لایه نموده است.

جواب این سوال بر عهده حضرت تعالی.

۴. تغییر نقطه مرزی به چه صورت و طی چه قانونی و در چه سالی اتفاق افتاده و آیا به تصویب نهایی رسیده یا به همان دلایل قانونی تصویب نشده و فقط قدرت اجرایی و فشار سیاسی جمعی از کارشناسان را وادار به ارائه چنین طرحی و ایجاد اختلافات و تنش بین دو شهر و لایه نموده است.

جواب این سوال بر عهده حضرت تعالی.

جواب این سوال بر عهده حضرت تعالی.

## پیش نهاد رفتنی

این چند سال ساندوچی‌ها و فست‌فودهای بسیاری آمدند و رفتند. بین آن‌ها ساندوچی ناصر یک استثنا است. ناصر هنوز ساندوچی‌ها را به همان سبک قدیمی و با نان بازاری می‌گیرد. نکته جالب‌تر این که ساندوچی‌های ناصر از نظر قیمت هم هنوز قدیمی مانده و به صرفه است. ساندوچی ناصر یا پارسیان که روزگاری کنار حسینیه اعظم بود بعد به بلوار سپاه رفت و اکنون به کنار ساختمان مخابرات منتقل شده است.

## پرونده-۱

فقط آمار را بخوانید: پایگاه خبری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در تاریخ ۶ دی‌ماه ۹۱ به نقل از روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی نوشته است: «هرچند آمار تلفات حوادث رانندگی آبان‌ماه نسبت به مدت مشابه سال قبل ۸/۴ درصد کاهش داشت، اما جاده‌ها و خودروها همچنان جان سرنشینان و عابران پیاده را می‌گیرند؛ به طوری که در هشت ماهه [نخست] امسال، ۱۴ هزار و ۱۲۶ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد فوتی‌های حوادث رانندگی ۱۴ هزار و ۹۹۶ نفر بود، ۵/۸ درصد کاهش یافته است. بر اساس این گزارش، در هشت ماهه امسال به ترتیب استان‌های تهران با یک‌هزار و ۱۰۲ فوتی، فارس با یک‌هزار و ۷۸ فوتی و خراسان رضوی با یک‌هزار و ۴۸۸، بیشترین موفیات حوادث رانندگی را داشته‌اند.» به این ترتیب، همان‌طور که سرهنگ محمد حسین گودرزی، فرمانده قرارگاه پلیس راه جنوب فارس، می‌گوید، «ما در ایران هر ۲۶ دقیقه یک فوتی تصادف داریم. البته این وضع بهتر از قبل است، چون قبلاً هر ۲۰ دقیقه یک کشته داشتیم!» سرهنگ هم تأکید می‌کند که استان فارس در آمار کشته‌شدگان تصادفات همیشه یا اول است، یا دوم یا سوم.

چقدر از این مرگ و میرها و مصدومیت‌ها به شهرستان گراش می‌رسد؟ چرا صدای زنگ خطر شنیده نمی‌شود؟



مسعود غفوری  
تحریریه افسانه

## زاویه دید بیرونی:

سرهنگ سخران‌اش با چاشنی طنزی تلخ همراه شده است، سعی می‌کند حساسیت مطلب را با ارائه آمار نشان دهد: «در کشور ما در سال گذشته، دو میلیون و هفتصد هزار خانواده درگیر تصادفات بودند. در سوئد سالانه ۲۸۰ نفر در تصادفات کشته می‌شوند؛ ولی فقط در استان فارس، و فقط در آذرماه سال قبل، ۱۲۶ نفر در تصادفات جان خودشان را از دست داده‌اند. آمار کشته‌شدگان تصادفات در استان فارس همیشه چهار رقمی است؛ و از این نظر ما با استان‌های خراسان و تهران در رقابت هستیم. آمار آن‌قدر بالاست که سازمان ملل هم روی بحث تصادفات در ایران حساس شده است. می‌دانید که، روز سی‌ام آبان‌ماه به عنوان روز جهانی قربانیان حوادث تصادفات از طرف سازمان ملل نام‌گذاری شده است.»

این عضو شورای عالی ترافیک استان اظهار می‌کند که مدیریت ترافیک کار یک اداره یا سازمان نیست، بلکه ۶۴ سازمان در آن دخیل‌اند. او پیشنهاد می‌کند علاوه بر نصب دوربین در ورودی‌های شهر، یک مرکز مانیتورینگ شهری در شهرداری راه‌اندازی شود تا نظارت بر ترافیک بیشتر شود و تلفات به حداقل برسد. «کمربندی هم دیگر کمربندی نیست و باید تلاش شود یک رینگ دیگر ساخته شود و در آن اجازه ساخت و ساز هم داده نشود.» او عوامل موثر در تصادفات را شامل وسیله نقلیه، راه و جاده و

## پرونده-۲



رضا شیروان  
تحریریه افسانه

مردم: اول می‌ساختند، بعد می‌بستند «زرش داشتن وقت آدم‌ها، جمله‌ای است که برای زست گرفتن، بر زبان اکثرمان جاری می‌شود؛ اما دروغ از یک ذره عمل. چه اتفاقی می‌افتد اگر اول دوربین‌گردان‌های جدید را می‌ساختند و بعد دوربین‌گردان بلوار سرداران است، می‌بستند؟ جز این که به وقت و مال مردم اهمیت بیشتری داده می‌شود؛ ما از بسته شدن دور دوربین‌گردان‌های تصادفات متعددی شاهد بود، از شهرداری لشکر می‌کنیم؛ اما چه خوب می‌شد اگر برای اجرای یک طرح، تمام جوانب آن را بررسی می‌کردند؟

روی آتش زیر خاکستر اول که وارد دفتر تاکسی تلفنی شدم، یک اتاق با یک میز، یک میبل و یک تخت برای خوابیدن تمام چیزی بود که به چشم می‌خورد. پیرمرد روی میبل نشسته بود و داشت با راننده جوان‌تری که روی تخت خوابیده بود حرف می‌زد. سا آورد من، پیرمرد گفت بفرمایید. توضیح دادم که برای تهیه گزارشی از دوربین‌گردان‌های بلوار سرداران آمده‌ام. هنوز حرف‌هایم تمام نشده بود که ... حرف‌های پیرمرد در درد دل ششبهه شده بود: «سا بنزین لیتری چهارصد تومن و هفت‌صد تومن، مسبری که ربع ساخته می‌رسیدیم، الان نیم‌ساخته می‌رسیم. مسافر هم داد و فریاد می‌کند که چرا دیر تاکسی می‌فرستید.»

کردن دوربین‌گردان روی بلوار کوثر موافق است، اما از این که قبل از احداث دوربین‌گردان جدید، شروع به بستن دوربین‌گردان قدیمی کرده‌اند ناراضی است. پیشانی‌ام را می‌خارام و با شرمندگی می‌گویم «بخشید حاجی؛ اسم شریف‌تان؟» جواب می‌دهد: «حاج محمدحسین

# گ...ز...ر...ش

شماره دوازدهم، دی ۱۳۹۱



www.gerishna.com

## یادداشت

### آقای دکتر گاهی دکتر نیست



مهدی وفايي فرد  
تحریریه افسانه

شما فکر می‌کنید در نوشتن یک خبر از زبان عبدالرضا هرمزی، سخن‌گوی شورای اسلامی شهر گراش، باید از پیشوند «مهندس» هم استفاده کرد؟ یا نوشتن عبارت «آقای» یا «جناب آقای» قبل از اسم حمیدرضا کریمی‌فرد، فرماندار گراش، بی‌احترامی به او محسوب می‌شود؟! یا وقتی

مرتضی فتحی، رییس شورای اسلامی شهر گراش، دارد درباره‌ی ترافیک خیابان امام(ره) صحبت می‌کند، نیاز هست بنویسیم «دکتر» فتحی؟

خبرنویسی، کاری سهل و ممتنع است؛ یعنی علاوه‌بر ظاهر ساده‌ش، نیاز است از دستورالعمل استاندارد که برای آن نوشته شده است پیروی کنیم. هر خبر به سه بخش تقسیم می‌شود: «تیترا» که با اندازه‌های درشت‌تر بالای هر خبر قرار می‌گیرد، «لید» که بند اول هر خبر است و «بدنه» که همان متن خبر است.

نام بردن از افراد و سمت‌های‌شان در هر یک از این بخش‌ها متفاوت است. اصل کلی این است - در تیترا و لید که اولین بخش‌های خبر هستند، برای مخاطب مهم‌تر از دانستن نام و نام خانوادگی، اطلاع از سمت و جایگاه فرد است. اما این هم مثل خیلی از قانون‌ها، تبصره و تکمله‌هایی دارد؛ یعنی هر وقت دیدیم شخصی، اسمش را نگارش معروف‌تر است، همان اسم و فامیل طرف را می‌نویسیم. به‌عنوان مثال الان در سطح ملی «علی‌دایی» اسمش از جایگاهش (سرمربی تیم فوتبال راه‌آهن) معروف‌تر است. در گراش هم «حبیب‌مهرایی» اسمش از سمتی که دارد (کارمند آموزش و پرورش و مدیر مدرسه‌ی سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>) معروف‌تر است.

اما قانون این‌جا هم یک سخت‌گیری‌هایی دارد. اصول خبرنویسی می‌گوید نمی‌شود تا آخر خبر اسمی از شخصی که سمتش را گفته‌ایم نیاورد، پس در اولین بند بعد از لید باید نام و نام خانوادگی و سمت کامل شخص را نوشت. حالا این وسط کسانی هستند که دکتر و مهندس درجه‌های رفیع نرسیده‌اند، خب بالاخره پیشوندی به‌نام «آقا» یا «خانم» دارند. استاندار رونامه‌نگاری می‌گویند برای خیر باید در کوتاه‌ترین و ساده‌ترین شکل بدست مخاطب برسد، به همین دلیل نیازی نیست از پیشوندهای «آقا»، «خانم»، «جناب» و ... استفاده کرد. برای نوشتن «دکتر» و «مهندس» و ... هم زمانی می‌توانیم از این‌ها استفاده کنیم که این پیشوند با موضوع خبر ما هم‌خوانی داشته باشد. یعنی وقتی عبدالرضا هرمزی دارد از ارزان‌تر شدن اینترنت در گراش می‌گوید، می‌نویسیم «مهندس هرمزی» ولی وقتی از جلسه‌های شورا گزارش می‌دهد، مجاز به نوشتن «مهندس» نیستیم.

حالا بروید و نگاهی به روزنامه‌های کشوری بیندازید در اکثر روزنامه‌ها می‌بینید که فقط نوشته‌اند «محمود احمدی‌نژاد» بدون پیشوندی از جنس «جناب آقای» و یا «آقای دکتر».

## هر ۲۶ دقیقه یک مرگ در تصادف



عکس: عبدالحمید یوسفی

از استفاده رانندگان از موبایل و وسایل سمعی و بصری یا خستگی و خواب‌الودگی است. علت دوم، «عدم رعایت حق تقدم» است. علت سوم، «خطای از سرعت مطمئنه» (و نه شورای عالی ترافیک هم این بحث را داریم که محدودیت‌های ترافیکی مثل سرعت‌کاه‌ها کمتر استفاده شود، ولی گاهی چاره‌ای جز این نداریم. باید باورها و رفتارها را عوض کنیم. الان در تمام دنیا تکیه را بر مبنای آموزش گذاشته‌اند. خانواده مهم‌ترین نقش را در این زمینه دارد و باید آموزش بدهد، و در مرحله بعد آموزش و پرورش. جایز محلی هم مد نظر قرار داده است: اول، از توان بالقوه مردمی و نیز رفتارهای موجود برای تقویت کنترل نامحسوس و کاهش تخلفات رانندگان استفاده شود؛ دوم، با هماهنگی با سازمان‌های مختلف، موتورسواران آن سازمان‌ها به استفاده از کلاه ایمنی ملزم شوند و نظارت مستمر بر حسن اجرای آن وجود داشته باشد.

فرمانده پلیس می‌گوید در خصوص اصلاح موارد فوق و نصب تابلو و علائم طی چندین مرحله با شهرداری مکاتبه شده است. در مصوبات جلسات قبلی شورای ترافیک هم اقدام در خصوص این موارد به چشم می‌خورد. مهندس هاشمی، کارشناس عمران شهرداری در خصوص مورد اول توضیح می‌دهد: «برای فلکه شهید بزرگ‌ان (فلکه شهرداری) طرح آماده داریم و همه چیز در آن پیش‌بینی شده است. ولی طرح را دادیم استان برای تایید، و گفتند چون مشاور آن را امضا نکرده، هنوز طرح کامل نیست.»

تقاطع بلوارهای کوثر-سرداران بر اساس مصوبه شورای ترافیک بسته شده است؛ و در سر پیچ برق روز، یعنی حد فاصل خیابان‌های بسیج و آبیاری به سرعت‌گیر همراه با چشم‌گیرهای نصب شده است. شاید با نصب دوربین در ورودی‌های شهر از سمت لار و اوز، این چهار نقطه‌ی پر تصادف در گراش کمتر خطر آفرین باشند. ولی آیا این اقدامات سلبی برای کاهش تصادفات کافی است؟

از استفاده رانندگان از موبایل و وسایل سمعی و بصری یا خستگی و خواب‌الودگی است. علت دوم، «عدم رعایت حق تقدم» است. علت سوم، «خطای از سرعت مطمئنه» (و نه شورای عالی ترافیک هم این بحث را داریم که محدودیت‌های ترافیکی مثل سرعت‌کاه‌ها کمتر استفاده شود، ولی گاهی چاره‌ای جز این نداریم. باید باورها و رفتارها را عوض کنیم. الان در تمام دنیا تکیه را بر مبنای آموزش گذاشته‌اند. خانواده مهم‌ترین نقش را در این زمینه دارد و باید آموزش بدهد، و در مرحله بعد آموزش و پرورش. جایز محلی هم مد نظر قرار داده است: اول، از توان بالقوه مردمی و نیز رفتارهای موجود برای تقویت کنترل نامحسوس و کاهش تخلفات رانندگان استفاده شود؛ دوم، با هماهنگی با سازمان‌های مختلف، موتورسواران آن سازمان‌ها به استفاده از کلاه ایمنی ملزم شوند و نظارت مستمر بر حسن اجرای آن وجود داشته باشد.

فرمانده پلیس می‌گوید در خصوص اصلاح موارد فوق و نصب تابلو و علائم طی چندین مرحله با شهرداری مکاتبه شده است. در مصوبات جلسات قبلی شورای ترافیک هم اقدام در خصوص این موارد به چشم می‌خورد. مهندس هاشمی، کارشناس عمران شهرداری در خصوص مورد اول توضیح می‌دهد: «برای فلکه شهید بزرگ‌ان (فلکه شهرداری) طرح آماده داریم و همه چیز در آن پیش‌بینی شده است. ولی طرح را دادیم استان برای تایید، و گفتند چون مشاور آن را امضا نکرده، هنوز طرح کامل نیست.»

تقاطع بلوارهای کوثر-سرداران بر اساس مصوبه شورای ترافیک بسته شده است؛ و در سر پیچ برق روز، یعنی حد فاصل خیابان‌های بسیج و آبیاری به سرعت‌گیر همراه با چشم‌گیرهای نصب شده است. شاید با نصب دوربین در ورودی‌های شهر از سمت لار و اوز، این چهار نقطه‌ی پر تصادف در گراش کمتر خطر آفرین باشند. ولی آیا این اقدامات سلبی برای کاهش تصادفات کافی است؟

## زاویه دید داخلی:

### سرهنگ انصاری

در مصاحبه‌ای با سرهنگ عبدالعظیم انصاری، فرمانده انتظامی شهرستان گراش، درباره‌ی آمار تصادف‌ها در سال جاری و سال قبل، مهم‌ترین دلایل بروز تصادف و سرآخر راه حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای این معضل می‌پرسم. او انسان را عامل اصلی تصادفات معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که رانندگان باید بیشتر قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند. سرهنگ انصاری درباره عوامل تصادفات در گراش، چهار مورد را برمی‌شمارد: علت اول، «عدم توجه کافی به جلو» است که ناشی

## واکنش‌ها به تصمیم‌های شورای ترافیک در مورد دور برگردان‌ها

# بگرد تا بگردیم



بیکان در بلوار سعادت - یکی از تازه‌ترین تصادف‌ها ۱۷ دی‌ماه - عکس: باقر شکاری

حساس‌اند، می‌گویند: «بستن دوربین‌گردان بلوار کوثر مسیر را طولانی کرده و وقت زیادی از ما که برنامه‌ریزی‌مان بر اساس دقیقه‌است می‌گیرد. مهم‌تر از این، مسئله‌ی سرعت‌گیرهاست که راننده‌ها را ناراضی کرده، که البته به گفته شورای ترافیک گریزی از آن نیست.»

مجریان: به چایش دو تا می‌سازیم گلایه‌های مردم را با مهندس هرمزی، سخنگوی شورای اسلامی شهر و نماینده این شورا در شورای ترافیک در میان می‌گذارم؛ هر چند او می‌گوید از همان روز اول کاملاً در جریان این گلایه‌ها بوده و مردم مرتب با او تماس می‌گرفته‌اند. می‌پرسم سپر چرا اقدامات شورا تاکنون فقط سلبی بوده است؟ درست است که این اقدامات برای بهتر کردن فرهنگ ترافیکی شهر است، ولی برای تسهیل عبور و مرور هم کاری انجام شده است؟ مهندس هرمزی می‌گوید: «قطعاً به فکر آسان کردن کار مردم هستیم، در فازهای بعد، و مردم هم باید همکاری کنند. اما گرفتن عکس‌العمل

حسنی، راننده تاکسی هما» محمد پورشمسی، مکانیک رویه‌روی بلوار کوثر می‌گوید: «بستن دوربین‌گردان کار اشتباهی بود، چرا که مسیر خلاف رفتن را تا دوربین‌گردان پائین‌تر زیاد کرده‌اند. به نظر من باید سرعت‌گیرها را زیاد می‌کردند، بخصوص قبل از دوربین‌گردان رویه‌روی بلوار کوثر، و همچنین باید کار فرهنگی می‌کردند. در ضمن، دوربین‌گردان حد فاصل خیابان شهید مطهری و بلوار کوثر دید خوبی موقع دور زدن، چه به طرف شهرداری و چه به طرف بیمارستان ندارد، چون سر پیچ است.»

حاج رحمت صالحی، یکی از اهالی محل هم می‌گوید: «بستن دوربین‌گردان رویه‌روی بلوار کوثر بسیار درستی بود، چرا که هر روز یک تصادف در این مکان اتفاق می‌افتاد. در دوربین‌گردان جدید که کمی پائین‌تر از بلوار کوثر است هم باید تکیه به حال تیر چراغ برق شود. یا باید یک فلکه کوچک ساخته شود، یا دو طرف بلوار که به دوربین‌گردان می‌رسد باید حداقل ده متر باریک شود.» شاپور جولافیان، یکی از رانندگان مینی‌بوس که به اقتضای کارشان به تغییرات خیابان‌های گراش



**پرونده ۴-**

**یک لحظه**



حبیبه بخشی  
تحریریه افسانه

چشم‌هایم را که باز کردم سرگیجه‌ی شدیدی داشتم و همه چیز را تار می‌دیدم. خانم‌هایی که روپوش سفید تن‌شان بود داشتند لباس‌هایم را قیچی می‌کردند. کم‌کم درد را احساس می‌کردم. یکی از خانم‌ها همین که فهمید دارم به هوش می‌آیم گفت: «سلام دختر خانم. اسمت چیست؟» کمی مکث کردم و بعد گفتم: «رویا». خانم‌هایی که در اطراف ایستاده بودند، داشتند توی گوش هم پچ پچ می‌کردند و می‌گفتند: «خدا رو شکر، هوش‌اش خوبه». من هم همینطور که داشتم ناله می‌کردم و اشک می‌ریختم، خواستم حرفی بزنم که فهمیدم فک بالایی‌ام توی دهن‌ام افتاده است. از حنجره آرام گفتم: «چه اتفاقی برام افتاده؟» یکی از خانم‌های جوان در حالی که داشت شرم به دست‌ام وصل می‌کرد گفت: «توی راه دانشگاه تصادف کردی. الهی شکر که زنده‌ای.»

باز هم باورم نمی‌شد. اصلا هیچ چیز را به خاطر نمی‌آوردم. چشم‌هایم را بستم و سعی کردم حرف‌های پرستان را در ذهن‌ام مرور کنم. صبح چهارشنبه ۱۷ آذر ماه سکوت سهمگینی در خانه حکم‌فرما بود. ساعت ۷ از گذشته بود و من از سرویس جا مانده بودم. سریع خود را آماده کردم و به طرف تلفن رفتم که به آژانس زنگ بزنم که تلفن زنگ خورد. مادرم بود. گفت از دیشب تا صبح خواب‌اش نبوده و دلهره‌ی عجیبی دارد. صبح زود پدرم سر کار رفته بود و مادرم هم شب را خانه‌ی خواهرم مانده بود.

من برخلاف میل پدرم به آژانس محله زنگ زدم. ۵ دقیقه‌ای طول کشید تا آژانس برسد. بالاخره سوار شدم و عذرخواهی کردم. شیشه‌ی پایین کشیدم و به بیرون چشم دوختم. در دل عسا می‌خواندم که اتفاقی نیفتد. همین که دعا را تمام کردم ماشین ترمز گرفت. صورتم محکم به صندلی جلو اصابت کرد و دیگر چیزی نفهمیدم. صدای همه‌مهی جمعیت در سالن بیمارستان شنیده می‌شد. دست‌ام را روی صورتم گذاشتم. متوجه شدم در آن لحظه پرستان‌ها یکی‌یکی کنار می‌رفتند. یکی از آنها گفت: «پدرتون دارن میان». پدرم را بالای سرم دیدم که با آرامشی ساختگی سعی می‌کرد با من حرف بزند و مرا آرام کند.

**پرونده ۳-**

**۸۳ درصد افزایش تصادف در سال ۹۱**

ماموریت اصلی پایگاه امداد بین جاده‌های هلال احمر تصادف جاده‌ای است. با این وجود این پایگاه سعی می‌کند در کلیه تصادفات شهرستان حضور داشته باشد. در سال ۱۳۹۰ تعداد ۳۶ تصادف در گراش رخ داده است که این تعداد در ۹ ماه اول سال ۹۱ به ۴۸ تصادف رسیده است و نشان‌دهنده ۸۳ درصد افزایش در تصادف‌های سال ۹۱ است.

بیشتر تصادف‌های گراش در مسیریهای بین شهری و تقاطع‌های شهری رخ می‌دهد. ورودی گراش از سمت لار بلوارهای خلیج فارس و سعادت با ۱۵ تصادف خطرناک‌ترین مسیری شهری است. اگر ۶ تصادف میدان شهید بزرگرا را نیز اضافه کنیم خطرناک بودن این مسیر بیشتر مشخص می‌شود. در جاده‌ها نیز جاده اوز برای رانندگان خطرناک‌تر از جاده لار است. در داخل شهر پیچ خیابان اصلی در محدوده برق‌روز پرخطرترین نقطه برای وقوع تصادفات است. در این مدت ۲۱ ماهه ۷ تصادف در این نقطه رخ داده است. بخشی از تصادف‌های رخ داده در مسیریهای خودروهای عبوری بوده است. احداث کمربندی برای شهر و اصلاح تقاطع‌ها در خیابان اصلی می‌تواند عاملی در کاهش تصادفات باشد.

**پرونده ۵-**

**خراش‌هایی بر روح گراش**

**را حله بهادر**

تحریریه افسانه



میان‌بری که امن نبود

اتفاق تصادف جواد فیروزی را یک سال قبل، دختری برایم تعریف کرد که آن زمان نامزد او بود. شب بیست و یکم رمضان، مصادف با بیست و دوم مهر بود. قرار داشتیم بیاید دنبالم برویم احیا. در تماس تلفنی گفت که تا چند دقیقه‌ی دیگر می‌رسد خانه. چند دقیقه‌ی شد چند ساعت. نگران بودم. برادرم زنگ زد و گفت گوشی را بدهم به مادرم. هر چه اصرار کردم با من حرف بزند می‌گفت گوشی را بدهم به مادرم. از صحبت‌های‌شان فهمیدم جواد تصادف کرده. رفتم بیمارستان. جمعیت زیادی با لباس سیاه در انتظار بودند. صدای شیون و زاری مادرش بلند بود. خودم را باختم. تصادف رویروی خانه‌ی خوشان بود. می‌خواستم موتورم را از روی بلوار به سمت خیابان تمیز هدایت کند تا زودتر به خانه‌ی ما برسد. یک چرخ موتور توی خیابان و یک چرخ‌اش توی بلوار بوده که یک موتوری از پشت می‌زند بهش. تعادل‌اش را از دست می‌دهد و سرش میخورد به لبه‌ی بلوار و موتورش هم می‌افتد روی سرش. خواهرش که داشته می‌رفته خانه‌شان شاهد ماجرا بوده اما در ابتدا نمی‌فهمد آن موتوری جواد است.

سیزده روز در کما بود و می‌خواستند عید بشود و بعد بگویند ایست قلبی و ضربه مغزی شده است و امیدی نیست. جواد فقط بیست و پنج سال داشت. از تاثیرات این حادثه بر خودش و خانواده‌اش می‌پرسم و می‌گویند: اوایل که باورم نمی‌شد و قبول‌اش بسیار سخت بود. فکر می‌کردم زندگی تمام شده. اما از آن سو، مادر جواد برایم الگو شد. بعد از حادثه، مادرش بسیار صبورتر شد. باعث شد من و خانواده‌اش بیشتر به مرگ فکر کنیم و سعی کنیم بهتر زندگی کنیم و با مردم و اطرافیان بهتر رفتار کنیم.



روز بارانی، سرعت در جاده

خانم جنگجو که در یک حادثه‌ی رانندگی، سه عضو خانواده‌اش را از دست داده اینطور شروع می‌کند: سیزده صفر سال نود بود. پدرم با خواهرم و دخترش رفته بودند لار و وقت دکتر داشتند برای مهدیه، دختر خواهرم. تماس گرفتم و گفتند اداری بیمه هستند و کم‌کم برمی‌گردند. شاید فقط یک ساعت گذشته بود. پسر همسایه‌مان که مادرش رفته بودند لار و وقت از راه آمده بود و گفت یک تصادف در جاده‌ی لار اتفاق افتاده است. با نشانی‌هایی که می‌داد، مطمئن شدم ماشین پدرم بوده است.

نزدیک پلیس راه، یک ماشین با سرعت زیاد، و به خاطر لغزندگی جاده، می‌افتد روی ماشین بیگان پدرم. خواهرم و دخترش افتاده بودند بیرون و همان‌جا می‌میرند و پدرم هم که کمر بندش پاره شده بود، به بیمارستان نمی‌رسد. اما ماشین طرف مقابل که بهتر و مدل بالاتر بوده، به خاطر داشتن کیسه هوا راننده‌اش آسیبی نمی‌بیند و تنها چند جا از سرش زخمی شده بود.

رفتم لار و چون هر سه فوت کرده بودند، به دروغ گفتند آنها را به گراش برده‌اند و سرانجام وقتی آنها را برای خاکسپاری به خانه آوردند، دیدیم‌شان. خواهرم طاهره بیست و سه سال، دخترش مهدیه چهار سال و پدرم شصت ساله بود. حالا مادرم گوشه‌گیر شده و همیشه اصرار دارد ما به خانه‌اش برویم. سعی می‌کنیم از خانه بیرون بیایم اما دوست ندارد. مادرم با برادرم که هنوز ازدواج نکرده زندگی می‌کند. امیدواریم بتوانیم به خاطر آن تصادف، حداقل برایش معافی از خدمت بگیریم تا بتواند کار کند و خرج خودش و مادر را در بیاورد. جز صبر و دلخوش بودن به عزیزی که زنده هستند و باید به خاطرشان زندگی کرد چه کاری می‌شود کرد؟



موتورسواری، بدون کلاه ایمنی

محمدرضا نظری دوست صمیمی و نزدیک حمید قنبری است و ماجرای مرگ او را اینطور تعریف می‌کند: عصر روز بیست و چهارم دی ماه سال هشتاد و نه بود. حمید با دوستان‌اش رفته بودند صحرا برای تفریح. یک باغ طرف‌های نیروگاه برق.

از طرف‌ها جوان‌هایی که موتورهای اماراتی داشتند روزهای جمعه دور هم جمع می‌شدند و کورس می‌گذاشتند و ویزا می‌دادند. خارج از شهر است و یک جور سرگرمی برای جوان‌ها حمید هم برای تماشا رفته بود.

نزدیک پلیس راه، یک ماشین با سرعت زیاد، و به خاطر لغزندگی جاده، می‌افتد روی ماشین بیگان پدرم. خواهرم و دخترش افتاده بودند بیرون و همان‌جا می‌میرند و پدرم هم که کمر بندش پاره شده بود، به بیمارستان نمی‌رسد. اما ماشین طرف مقابل که بهتر و مدل بالاتر بوده، به خاطر داشتن کیسه هوا راننده‌اش آسیبی نمی‌بیند و تنها چند جا از سرش زخمی شده بود.

رفتم لار و چون هر سه فوت کرده بودند، به دروغ گفتند آنها را به گراش برده‌اند و سرانجام وقتی آنها را برای خاکسپاری به خانه آوردند، دیدیم‌شان. خواهرم طاهره بیست و سه سال، دخترش مهدیه چهار سال و پدرم شصت ساله بود. حالا مادرم گوشه‌گیر شده و همیشه اصرار دارد ما به خانه‌اش برویم. سعی می‌کنیم از خانه بیرون بیایم اما دوست ندارد. مادرم با برادرم که هنوز ازدواج نکرده زندگی می‌کند. امیدواریم بتوانیم به خاطر آن تصادف، حداقل برایش معافی از خدمت بگیریم تا بتواند کار کند و خرج خودش و مادر را در بیاورد. جز صبر و دلخوش بودن به عزیزی که زنده هستند و باید به خاطرشان زندگی کرد چه کاری می‌شود کرد؟

**پیش نهاد کتاب**

عاطفه رسولی نژاد، کتاب «آنا هنوز هم می‌خندد» را حتما بخوانید. مجموعه ۴۴ داستان کوتاه با موضوع دفاع مقدس، اما متفاوت‌تر از همدی مجموعه داستان‌های جنگی که تا حالا خواندید. این ۴۴ داستان، ظاهراً مستقلاً ولی اگر به ترتیب بخوانید متوجه‌ی ارتباط و نظم بین آن‌ها می‌شوید. بعضی طنزند، بعضی تلخ ولی همگی لذت‌بخش. آنا هنوز هم می‌خندد را اکبر صحرایی نوشته و سوره مهر چاپ کرده است.



**باقر شکاری**

روابط عمومی هلال احمر

مرگ به هر شکل‌اش مرگ است. تلخ است. قدیم‌ها مادر بزرگ‌هایمان دعا می‌کردند: «پیر شوی جوان!» اما پیر شدن و مردن حاصل مرگ طبیعی است. تصادفات رانندگی جان جوان‌هایی را می‌گیرد که به پیری نمی‌رسند وقتی شاید بتوان با احتیاط بیشتر، به سن مادر بزرگ رسید یا دست کم از تعداد جوان‌های به پیری نرسیده کم کرد. این تصادف‌ها به هر شکل که باشند، یک چیز در همه‌ی آنها مشترک است، فقدان. فقدان آدم‌هایی که عضو از خانواده‌ی ما، یا دوست و نزدیک ما بوده‌اند و دیگر نیستند.



سرعت و لاستیک پنچر

محمدعلی و علی اکبر امانتی دو برادر بودند که به فاصله‌ی سه سال و نیم از هم، و هر دو در تصادفی رانندگی، جان خود را از دست دادند. همسر مرحوم محمدعلی امانتی می‌گوید: بیست و نهم شهریور سال هشتاد و چهار بود. حدود ساعت هشت شب، می‌خواستم بروم بیمارستان اوز که مرخص داشتم. پیش او بماندم. موتورم را با قرض خریدم بود و خیلی آنرا دوست داشتم. اهل سرعت و این حرف‌ها هم نبود. حدود یک ساعتی بود که از خانه خارج شده بود. دختر برادرم زنگ زد و گفت محمدعلی کجاست. وقتی گفتم رفته اوز، گفت خبر داده‌اند که در بیمارستان یک تصادفی آورده‌اند به نام امانتی.

بدون این که بخواهم به پدر و مادرم اطلاع دهم، رفتم. دیدم خودم است. ضربه مغزی شده بود. ظاهراً در جاده یک ماشین بهش زده بود. موتورم پشت ماشین پرس شده بود و ماشین هم در رفته بود. برادی خودم و چهار تا بچه‌ام، خیلی دردناک بود. تا مدتها بعد، دختر سه ساله‌ام سراغ پدرش را از من می‌گرفت و گریه می‌کرد. حالا برای بچه‌ها هم پدر و مادر هستم و خوشحالم بچه‌ها را دارم، وگرنه تحمل آن اتفاق بسیار سخت‌تر می‌شد. محمدعلی در سن سی و شش سالگی، فوت کرد.

علی اکبر هم، سه سال و نیم بعد، یک روز نزدیک ظهر، از خانه برای بنزین زدن بیرون می‌رود. متوجه نبوده که چرخ جلوی موتورم کم باد است. عجله هم داشته و با سرعت رانندگی می‌کرده است. نزدیک پمپ بنزین، تعادل موتورسیکلت از دستش خارج می‌شود و سرش دو بار به لبه‌ی بلوار برخورد می‌کند و ضربه مغزی می‌شود. در بیمارستان شیراز هم یکبار عمل شد، اما نتیجه نداد. همسرش هم تک دختر بود و بعد از مرگ برادرش که او هم در حادثه‌ی تصادف به رحمت خدا رفت، خیلی ضربه دید.

**پرونده ۶- خاطره**

**راننده بی تصادف نمی‌شود**

حتی اگر خودت مراقب باشی ممکن است کسی از راه برسد و بزند. هر کس که گواهی‌نامه دارد حداقل یک بار مزه هیجان تصادف را چشیده است. هیجانی که گاه آخرین هیجان زندگی و گاهی بعد از مدت‌ها خاطره می‌شود.

محسن می‌گوید: «می‌خواستم از یک بریدگی وارد خیابان شوم و دور بزنم، اما دید مناسبی نداشتم. به دوست‌ام که روی صندلی کناری‌ام نشسته بود گفتم: «نگاه کن ببین ماشین نمی‌آد؟» او هم از پنجره ماشین بیرون را دید زد و گفت نه. با خیال راحت فرمان را چرخاندم و وارد خیابان شدم که ناگهان چیزی

گفت: گروومسپا ترمز گرفتیم و از ماشین پیاده شدم. موتورم به در عقب ماشین خورد بود. با عصبانیت به دوستم گفتم: مگه نتقتی چیزی نمی‌آد؟ دوست‌ام هم حالت طلبکارانه‌ای به خود گرفت و گفت: «تو گفتی ماشین می‌آد یا نه؟ اصلاً اسمی از موتور نبردی!» من از آن روز تا حالا مانده‌ام چطور چند سال با این انیشتین دوست بودم و از مغز متفکرش خبر نداشتم.

زن رو به شوهرش می‌کند و می‌گوید: «حاج حسن! من رو برسون خونه‌ی مرتضی. دلم برای پسرم تنگ شده.» حاج حسن هم موتورسیکلت را بیرون می‌برد و دم در خانه پارک می‌کند و منتظر می‌نشیند تا همسرش زنبیده آماده شود. وقتی همسرش را دم در می‌بیند، موتورسیکلت را روشن می‌کند و حرکت می‌کند. از جلو مغازه‌ی سپرش رد می‌شود و بوق می‌زند که یعنی ما داریم می‌رویم خانه‌ی شما. امشب مغازه را زودتر از همیشه ببند. به دم در خانه‌ی سپرش که می‌رسند می‌گوید: «خانم پیاده شو که دیر شد.» اما زن پیاده نمی‌شود. با تعجب به عقب نگاه می‌کند، می‌بیند کسی سوار نیست!

با نگرانی موتور رو روشن می‌کند و در پی همسر گمشده‌اش با سرعت به سمت خانه برمی‌گردد. به مغازه‌ی سپرش که می‌رسد از او می‌پرسد: «من که از این‌جا رد می‌شدم، مادرت سوار بود یا نه؟» و پسر جواب می‌دهد که حواس‌ام نبود. بالاخره پدر و پسر نگران به خانه برمی‌گردند و زنبیده خانم را می‌بینند که تک‌لنگان آب گرم و زردچوبه آماده می‌کند تا به عنوان مرهم روی پای ضرب دیده‌اش بگذارد! این بار زن رو به شوهرش می‌کند و با عصبانیت می‌گوید: «دفعه آخرم باشد به تو می‌گویم من را جایی برسانی. اگر خواستی گاز موتور را بگیر، اول مطمئن شو مسافرت سوار است. بعد حرکت کن. می‌خواستم سوار موتور بشوم که یک‌دفعه حرکت کردی و زیر پایم خالی شد و نقش زمین شدم.» با عرض پوزش، بقیه ماجرا به ماهی‌تابه و حرکات خشن مربوط می‌شود که چون مناسب سن ما نیست باید از این قسمت به بعد سانسور شود.

خانم‌ها، آقایان! فقط اگر بدانید بعضی‌ها از تصادف کردن چه منظورهایی دارند! مسعود می‌گوید: «یک عصر شلوغ توی بلوار زند شیراز با ماشین یکی از دوستان متر به متر در ترافیک جلو می‌رفتم که راننده‌ی ماشین جلویی که خانم بسیار بسیار محتاطی بود می‌گوید روی ترمز و ... حالا توی آن ترافیک گیر افتاده‌ایم و خانم هم گیر داده که باید مامور بیاید و بیمه و ... در حالی که ماشین‌ها فقط خسارتی جزئی دیده بود. خلاصه توی آن هیس و ویر، جوانگی که یکی از ماشین‌های در حال گذر را می‌راند، سرش را بیرون آورد و بعد از مشاهده میزان خسارت‌ها، با آن لهجه‌ی شیرازی همراه با چاشنی طعنه رو به من گفت: «خوب چیزی که نشده کاکو. پس اون شماره‌هو رو بده بهش!»

یکی از راننده‌های گراشی به اسم مریم می‌گوید: «بعد از چند ماه که پشت لال ننشسته بودم، به اصرار دوست‌ام صدیقه ماشین را روشن کردم تا برویم به مقصد مورد نظرم. از آن‌جایی که راننده‌ی موتورسوار در گراش با انواع گروه سنی نواز، خردسال، جوان، و پیر بسیار محتاطانه و با دقت رانندگی می‌کند و با ظرافت خاصی جلو ماشین ویزا می‌دهند و گاه حرکات نمایشی اجرا می‌کنند، ما داشتیم از رانندگی در شهر لذت می‌بردیم که به طور اتفاقی با موتورسواری برخورد کردم و راننده موتور کنترل را از دست داد و بعد کله‌اش با تکلیه خیابان تصادف کرد. موتورسوار جزو همان نادر کسانی بود که کلاه ایمنی به سر داشت و آسیبی ندید و ما را از دیدن صحنه‌ی هیجان‌انگیز بی‌نصیب گذاشت! تنها فیزی که از آن تصادف نصیب ما شد لرزش بی‌دلیل اعضا و جوارح‌مان بود تا نیم ساعت بعد از تصادف.»

مرضی م. مسخره‌ترین جریمه شدن‌اش را اینطور تعریف می‌کند: «سردرد و سرگیجه‌ام‌ان را بریده بود. سوار ماشین شدم و به سمت داروخانه حرکت کردم. نزدیک غروب بود و طبق معمول خیابان شلوغ. درست همان‌جا وسط خیابان دیدم‌اش. او سمت چپ خیابان ایستاده بود و من نگاه پراپه‌اش را روی صورتم احساس کردم. فقط کافی بود یا چرخش دست‌ان‌اش به من اشاره کند. دیگر همه‌چیز تمام می‌شد و من به جرم کار نکرده مجازات می‌شدم. در همین حین، وسیله‌ی پرچبروتی را جلو ماشین دیدم. باورم نمی‌شد دارد چه اتفاقی می‌افتد: ماشین نیروی انتظامی بود! کنترل دست‌ان‌ام را از دست دادم و ناگهان نمی‌دانم چه شد که برق‌پاکن و چراغ‌های راهنمای ماشین روشن شدند. من داشتم تمام تلاش‌ام را می‌کردم که با آن ماشین پرچبروت برخورد نکنم، که سرعت‌گیر خیابان به دادم رسید و ماشین همان‌جا از حرکت ایستاد. آن‌جا بود که انگشت اشاره کار خودش را کرد. چشمانم تیزبین داشت به سوسیم می‌آمد. شیشه را آوردم پایین. صدایی گفتم: «کمر بند نبستی؟» و من حیرت‌زده به کاغذی نگاه می‌کردم که در دست‌ان‌ام بود به جرم کار نکرده‌ام.»

**آگهی‌های افسانه**

**مقصومه جان**  
گل بهار زندگی  
۲۹ دی ماه نهمین سالروز تولد  
ششگانه را با کوزه ذره وجودم  
تبریک گفته و کنار ما به خاطر  
دانشش کلی چون تو شاکریم.  
مامان، بابا، ملیکا

**آنگی دا جان**  
آمدنت به جمع کوچک  
ما پیام شادای بود.  
تولدت مبارک  
مامان و مامان جون

**هیات منیره، هیات لانا و اعضای برگزینی نمایندگانه رویت گمتب**  
بدینوسیله از لجرای نمایندگلهی فرهنگی و دینی و  
لرزشمند در منطقه تقدیر و تشکر بعمل می‌آید.  
امید است در سایه خلدوند ملان موفق و موجد  
باشید و خسته نباشید مارا بپذیرید.  
یوسف سلیمندی، حجت عابدی، حسن حبیبی

**سعاد جان**  
آمدنی  
تازمستان سردمان  
رنگ و بوی بهار  
بخود گیرد  
۲۳ دی‌ماه  
تولدت مبارک  
بابا و مامان

**سعاد جان**  
چهارمین سال درخشیدن ستاره زندگی‌مان  
تولدت را شادمانه به تو تبریک عرض می‌کنیم  
عموزن عمو

**سعاد جان**  
چهارمین سال درخشیدن ستاره زندگی‌مان  
تولدت را شادمانه به تو تبریک عرض می‌کنیم  
عموزن عمو

**سعاد جان**  
چهارمین سال درخشیدن ستاره زندگی‌مان  
تولدت را شادمانه به تو تبریک عرض می‌کنیم  
عموزن عمو



شهید سید مرتضی آوینی: اگر توصیه و سفارش و شعار از بیرون وجود هنرمند بخواهد بر او تحمیل شود، به ناچار ذوق را خواهد کشت. تعهد هنرمند باید از باطن چشمه‌سار هنر او بیرون بجوشد، نه آنکه از بیرون چون لعابی نازک از زنگ بر هنر او بنشیند. غلبان درد است که باید پیمانه وقت هنرمند را پر کند، در هنر او، نه آنکه هنرمند بی آنکه دردمند باشد، بخواهد ذوق خویش را در خدمت سیاست قرار دهد.

**پرونده ۷-**



عکس‌ها از روابط عمومی هلال احمر و آرشو هفت برکه



سعید زمانی

**راحله بهادر**

تحریریه افسانه

کردن وسایل عروسی، خیلی کمک کرد و خودش یکی یکی نظر می‌داد و انتخاب می‌کرد. آن موقع توی فامیل چند تا عروسی دیگر هم بود، از جمله عروسی خواهرش زرتنا. وقتی تاریخ عروسی‌اش، به خاطر تاریخ عروسی خواهرش به چند روز بعد موکول شد، کمی رنجید. سعید آن چند روز عروسی ساکت بود. سه روز عروسی گذشت و شد روز آخر. در شستن حیاط و تدارک وسایل، کمک‌مان کرد و خسته بود و رفت خانه‌ی مادر بزرگش و دوش گرفت. در لباس دامادی، خوشتیپ‌تر هم شده بود. نزدیک غروب بود که می‌خواست برود از عروس را بیاورد. ماشینی خودش را برای گل کاری برده بود و چون

آماده نشده بود، با ماشینی پدرش رفت. دم در که می‌خواست برود، به عادت همیشه‌ی زنها، خواهرش و مادر بزرگش گفتند که بپوش و رانندگی کن. همان موقع از جیبش پول درآورد و داد به سمانه - خواهرش - تا صدقه بدهد. خدا حافظی کرد و رفت.

وقتی دیر شده بود وقتی لار بود، یک بار سمانه با او تماس می‌گیرد و می‌گوید الان رسیدم اما به آرایشگاه، عروس را که سوار کنم، راه می‌افتم. قطع کرد و این آخرین بار بود که صدای سعید را شنید. ساعت از نه گذشت و همه کم کم داشتند نگران می‌شدند. مادر بزرگش می‌گفت بهش زنگ بزن ببین کجاست. گفتیم شاید رفته‌اند برای عکاسی و طول کشیده. اما هر چی زنگ می‌زدند، که عروس زنده است. اما خبری از داماد نیست. عروس با سر و صورت مجروح و دست و پای شکسته خوابیده بود. لباس سفیداش، روی تخت را پوشانده بود. فهمیدند، داماد همان جا در ماشین، مرده و او را به سردخانه برداند. در گراش، همه فکر می‌کردند عروس هم مرده است. تا چهار روز بعد، کسی به عروس نگفت داماد فوت شده. روز چهارم وقتی به خانه‌ی داماد آمد متوجه شد. فردای عروسی، روزی نزدیک ظهر، سعید را با آمبولانس آوردند خانه. چراغ‌ها خاموش و خانه به جای صدای شادی، صدای شیون و گریه می‌دهد. سعید در حیاط خانه، روی دستهای مردم، چرخ زد و ظهر همان روز به خاک سپرده شد.

**پرونده ۸- یک زندگی**

**کفن رخت دامادی‌اش شد**

نگاه‌شان را می‌دیدند و سرشان را پایین می‌انداختند. از هر کس می‌پرسیدیم، جواب می‌داد فقط حالشان وخیم است. همه گریه می‌کردند و کسی نمی‌گفت چه اتفاقی افتاده. توی جاده‌ی لار، ماشینی‌های اقوام برمی‌گشتند. همه چراغ می‌زدند و سرعت‌شان را کم می‌کردند و می‌شد دید که زنها در حال گریه هستند و مردها دست‌پاچه، همه با دست اشاره می‌کردند، برگردید. همه خیلی زودتر از ما خبر را شنیده بودند و فقط ما نمی‌دانستیم قضیه چیست. به بیمارستان امام رضا لار رسیدیم. توی راهرو بیمارستان، کنار در اتاقی که عروس بستری بود، چند زن ناراحت ایستاده بودند. مادر سعید، وقتی صدای عروس را می‌شنود، خیالش راحت می‌شود که عروس زنده است. اما خبری از داماد نیست. عروس با سر و صورت مجروح و دست و پای شکسته خوابیده بود. لباس سفیداش، روی تخت را پوشانده بود. فهمیدند، داماد همان جا در ماشین، مرده و او را به سردخانه برداند. در گراش، همه فکر می‌کردند عروس هم مرده است. تا چهار روز بعد، کسی به عروس نگفت داماد فوت شده. روز چهارم وقتی به خانه‌ی داماد آمد متوجه شد. فردای عروسی، روزی نزدیک ظهر، سعید را با آمبولانس آوردند خانه. چراغ‌ها خاموش و خانه به جای صدای شادی، صدای شیون و گریه می‌دهد. سعید در حیاط خانه، روی دستهای مردم، چرخ زد و ظهر همان روز به خاک سپرده شد.

شرح تصادف  
سمانه می‌گوید: تصادف در لار، و رویروی پادگان هوایی امام حسین بود. توی بلوار چراغ‌ها خاموش بوده و در حال دور زدن، ماشینی داماد با یک وانت که تیر آهن بار زده بود، برخورد می‌کند و داماد با اصابت تیر آهن به سرش، فوت می‌کند. صندلی عروس، به خاطر لباس‌اش کمی عقب کشیده شده بود و به این دلیل به او آسیبی نمی‌رسد. راننده هم که گراشی نبود، در مراسم خاکسپاری شرکت کرد. آثار عروسی‌اش تا بعدها بود. وسایل در زیر زمین خانه بود و کسی نمی‌رفت جمع‌شان کند. بعدها فهمیدیم، هر جا رفته بود حلالیت طلبیده بود و حتی بار آخری که از دبی، برای عروسی‌اش آمد، همه‌ی وسایل‌اش را جمع کرده بود. اهل نوشتن هم بود و چند تا دفتر خاطرات هم داشت.

مادر سعید می‌گوید: گاهی که خیلی دلم هوایش را می‌کند و بی تاب می‌شوم، شب، خوابش را می‌بینم و همین تسکین‌ام می‌دهد. وقتی کسی اسمش را می‌برد، نه تنها ناراحت نمی‌شوم، بلکه فکر می‌کنم هنوز زنده است و در میان ماست. حتی اگر دبی باشم، عصرهای پنج‌شنبه، از خانه بیرون نمی‌روم. منتظر می‌شوم، در گراش، دخترها بروند سر مزارش. بعد تصام می‌گیرند و می‌گویند که رفتنم آرام می‌شوم. هنوز وقتی برای پرسه‌ی یک جوان، جایی می‌روم، از جلوی پایم بلند می‌شوند و اگر چه خودشان مصیبت دیده هستند و مرگ جوان خیلی سخت است، اما می‌گویند باز هم به پای مصیبتی که تو دیدی، نمی‌رسد.

**۹- یک تجربه**

**من یک نفر را کشته‌ام**

رضا شیروان  
تحریریه افسانه

«مهلت نداد ترمز کنم به محض اینکه پا از روی پدال گاز برداشتم کار از کار گذشته بود. چند ساعت فقط مات و مبهوت مثل دیوانه‌ها حرف‌ها و فضا برابیم بی‌معنی بود، هر چند من مقصر نبودم ولی به هر حال یک آدم مرده بود. حسین ۲۷ سال دارد و از سه سال پیش راننده اتوبوس بود چند ماه قبل که از شیراز به گراش برمی‌گشت، در خفر پیرمردی ۶۰ ساله با موتورسیکلت از بین ماشین‌های پارک شده کنار خیابان یک دفعه و با سرعت بیرون می‌پرد و با اتوبوس تصادف می‌کند. کارشناسان راهنمایی و رانندگی موتور سوار را به دلیل سرعت زیاد و انحراف به چپ مقصر دانست. حسین می‌گوید: «حدود دو ماه دست از رانندگی کشیدم، بیشتر وقتها خانه بودم، مصرف سیگار سه برابر شده بود، گاهی وقتها کار بنایی می‌کردم، هر چند وقتی آن صحنه دوباره جلوی چشم ظاهر می‌شد و بعد از دو ماه دوباره با ترس و لرز به سر کار اصلیم که رانندگی است برگشتم، حالا با وجود اینکه قبلا هم احتیاط می‌کردم بیشتر و بیشتر مواظبم.»

**آگهی‌های افسانه**

**دومین نمایشگاه عاشورایی روایت آفتاب**

بدین وسیله از ادارات و نهادها و همه خیرین گرانقدری که در امر برپایی نمایشگاه عاشورایی روایت آفتاب یاری گرما بوده و با حمایت خود در این امر خیر و معنوی سهیم گشته‌اند اعم از فرماندهی انتظامی گراش، دفتر امام جمعه گراش، ناحیه مقاومت بسیج، آموزش و پرورش گراش، جمعیت هلال احمر گراش، مجمع امور صنفی گراش، شبکه بهداشت و درمان، بیمارستان امیرالمومنین(ع)، دانشکده پیراپزشکی امام صادق(ع)، اداره تبلیغات اسلامی، شورای اسلامی شهر، اداره بهزیستی، خانه فرهنگ، مکتب القرآن، بیت‌النور، اداره برق گراش، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجمع القرآن، مسجد حضرت خدیجه کبری(س)، و هیات‌های مذهبی عاشقان سیدالشهدا(ع)، قاسم بن الحسن(ع)، شاهزاده قاسم(ع)، هیات امام سجاد(ع)، تشکل‌های مذهبی گراش، حسینیه ابوالفضل(ع)، هیات ثارالله، هیئت علی اصغر(ع)، پایگاه علی ابن ابی‌طالب(ع)، پایگاه شهید دستغیب، پایگاه مقاومت امام صادق(ع)، نشر همسایه، شرکت پیلسیمو، بانک سینا، بوستان شهر شادی، فروشگاه‌های سالسا، میهن، مصالح جعفریان، القائم، کمال تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

**جناب آقای فرهاد آتش افروز**

فارغ التحصیلی شما از رشته‌ی خلبانی از مالیزیا فلینینگ آکادمیک به شما و خانواده محترمتان تبریک می‌گوییم.

دبی-حسن رادمنش، مصطفی آزاد، غفور دانشور، عاشق حسین، حاج یوسف و امراه پزادی، حاج صفر غلامپور، مهدی دادستان، عماد پدیدار، خلیل کریمی

**عبدلرضا حسین پور**

موفقیت شما در کلاس ارتقا، داوری فوتبالی و اخذ درجه ملی، مایه افتخار و میاهات ماست، توفیق روزافزون شما را از خداوند متان خواستاریم.

دکتر ثابت عبدالی، منقر، آذر افروز، عابد، مجید و جواد افشار

**شرکت پیلسیمو**

**PILSIMO TRdG CO. L.L.C**

عرضه‌کننده انواع کریستال، ظروف آشپزخانه، ظروف چینی، سفالی و بلور عمده و خرده

تلفن: ۰۷۱۲۲۶۹۸۵۰، فکس: ۰۷۱۲۲۶۹۶۶۰، موبایل: ۰۷۱۵۰۶۸۶۱۳۳۳



**گفتگو با قاسم فرسوده مدیر عامل باشگاه هلال احمر گراش**

**با کلوخ به جنگ تانک تی - ۷۲ می رویم**

تیم فوتبال هلال احمر که در سالهای قبل دو نایب قهرمانی و یک مقام سومین را در مسابقات لیگ برتر استان در قالب طرح آسیا ویزن در کارنامه دارد، امسال دومین سالی است که در رقابت های لیگ دسته سه کشور حضور دارد. اولین تجربه ی این تیم در این مسابقات در سال ۸۸ بود که به توفیقی دست نیافت. یکبار تجربه حضور در جام حذفی ملی جوانان، مربی تیم پیام مخابرات و کمک مربی تیم فجر سیاسی استفاده کنیم که نشند.



ابوالحسن محمودی  
تحریر به افسانه

قبل از اینکه به وضعیت فعلی تیم برسیم کمی به عقب برگردیم. چطور شد که تیم به لیگ دسته سه کشور صعود کرد؟

با توجه به نایب قهرمانی تیم در سال گذشته در سوپر لیگ استان توانستیم جواز حضور در مسابقات لیگ دسته سه را به دست آوریم که البته اگر یک سری مسائل حاشیه ای در داخل خود شهر و توسط بعضی افراد به وجود نمی آوردند، چه بسا که این تیم بدون کسر شش امتیاز قهرمان لیگ برتر می شد.

شائبه ای که به وجود آمده این است که شما قانوناً جواز شرکت در مسابقات لیگ سه را نداشتید و توانستید با لایه آقای آیت الهی که نایب رییس فدراسیون شدند به این مهم برسید. این حرف درست است؟

خیر. من این مورد را تایید نمی کنم. سال قبل هم دو تیم پرسپولیس شیراز و بهمن در این مسابقات شرکت کردند. با توجه به انتخاب استان فارس به عنوان بهترین استان در اجرای طرح آسیا ویزن، به همراه چهار استان دیگر، دو سهمیه به این استان ها تعلق گرفت و امسال نیز با توجه به همین مورد، استان فارس به همراه دو استان دیگر دارای دو سهمیه در لیگ سه می باشد. اگرچه ما متکرر حمایت های آقای آیت الهی نمی شویم. ایشان بارها و بارها از تیم ما حمایت کرده و از این بابت از ایشان تشکر می کنیم.

وضعیت تیم در جدول چطور است؟  
تا به الان یازده بازی انجام داده ایم و در دو امتیازی صدرنشین هستیم. نتایج تا به الان قابل قبول بوده اگرچه می توانستیم بهتر باشیم.

تیم را شما ارنج می کنید؟  
نه. تیم را کادر فنی آقایان خلیل آزاد، چترآذر و آذربادگان ارنج می کنند اما جایی که لازم باشد من هم شوری می دهم و منکر این قضیه نیستیم. البته بحث دخالت نیست، روز اول هم بهشان گفته ام؛ چون سال های قبل یک تجربه ی تلخ مربی گری در مورد مربیان غیر بومی داشتیم و حالا که به حمله مدیران تمام بومی هستند. البته این را هم اضافه کنیم که ما در اول فصل قصد داشتیم از آقای اصغر اکبری مربی سابق تیم

با این اوضاع بودجه امسال تیم چقدر است و اسپانسر چقدر به تیم کمک کرده؟  
درست است که تیم ما به نام هلال احمر است و ما از این بابت از مسئولین هلال احمر استان و شهرستان تشکر می کنیم. اینها تا جایی که در توان دارند با تیم همکاری می کنند و همکاری آنها در حد زمین چمن و امکانات مهمان سرا برای اسکان داوران و سرپرستان مسابقات است. اما در بحث مالی اسامیل هیچ اعتباری حتی در حد یک ریال هم به ما کمک نکردند. در مورد هزینه ها هم باید بگویم که ما ۱۶ میلیون تومان بدهی از سال قبل داریم و امسال نیز در هر بازی خارج از خانه بیش از ۲ میلیون تومان هزینه ایاب و ذهاب و خوراک تیم است و یک نکته که شاید برایتان جالب باشد این است که امسال هزینه ی ورودی مسابقات ۱۵ میلیون تومان است و ۵ میلیون تومان هم سایر مسائل جانبی (ک) که از این مقدار ما مبلغ ۱۰ میلیون تومان آن را از دو نفر از همشهریان قرض گرفته ایم و ۵ میلیون تومان دیگر هم از خیرین کمک گرفته ایم. من در کرمان که بودم وقتی با مدیرعامل باشگاه مس شهرپالک صحبت می کردم، گفتند که بودجه ی امسال این تیم ۷۰۰ میلیون تومان است. و شما تصور کنید که ما با این وضعیت عملاً با کلوخ به جنگ تانک تی-۷۲ می رویم.

اگر هلال احمر گراش ۱ ۱ ۷ ۲۵ ۳ ۲۲ ۲۲

تیم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
هلال احمر گراش	۱	۱	۷	۲۵	۳	۲۲	۲۲	
سایا دیزل کوار	۲	۶	۲	۱	۱۸	۵	۱۳	۲۰
وحدت فرابند	۳	۴	۲	۲	۱۳	۸	۵	۱۴
ماهان فسا	۴	۱	۴	۳	۱۴	۸	۶	۱۳
شهرداری نی ریز	۵	۳	۲	۴	۱۱	۱۵	-۴	۹
ولی عصر فیروزآباد	۶	۲	۲	۵	۷	۱۸	-۱۱	۸
پاس نوین لار	۷	۲	۱	۶	۷	۲۲	-۱۵	۷
قطب آباد چهرم	۸	۲	۰	۷	۴	۲۰	-۱۶	۶

**گروه هشتم لیگ دسته ۳ آزادگان تا هفته یازدهم**

تیم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
شهرداری ماهشهر	۱	۵	۴	۲	۱	۶	۴	۱۹
هلال احمر گراش	۲	۴	۵	۲	۱۷	۱۵	+۲	۱۷
امید کیش	۳	۵	۲	۴	۱۰	۹	+۱	۱۷
سیمان بهبهان	۴	۴	۴	۳	۱۱	۱۰	+۱	۱۶
هما دلیم	۵	۳	۵	۳	۹	۱۲	-۳	۱۴
کارگر بنه گز	۶	۲	۷	۲	۱۵	۱۲	+۳	۱۳
مس شهر پالک	۷	۲	۵	۴	۱۰	۱۲	-۲	۱۱
شهرداری ممسنی	۸	۰	۶	۵	۵	۱۱	-۶	۶

اگر هلال احمر وضعیت مالی خوبی ندارد، بهتر نیست بروید زیر نظر ارگانی دیگر مثل شهرداری که وضعیت مالی بهتری دارد؟

در شروع امسال شهرداری مبلغ سه میلیون تومان به ما کمک کرد که جا دارد از شورای اسلامی شهر و شهردار محترم تشکر کنیم. تیم های زیادی هستند که تحت پوشش شهرداری هستند و خوشبختانه نگاه شخص آقای شهردار در رابطه با ورزش نگاه مثبتی است و حتی ایشان در زمینه ی مینی بوس نیز ما همکاری کردند. و امیدوار هستیم که در نیم فصل دوم شهرداری و شورای شهر از این تیم حمایت کنند. خاطره ای را برایتان نقل می کنم که شاید کمی تلخ باشد: ما برای قرعه کشی لیگ رفته بودیم فدراسیون و در آنجا مسئول لیگ سه که نمی دانست گراش در کجای نقشه قرار دارد، گراش را در شرق کشور جست و جو می کرد پس ما اگر قرار باشد دیده شویم و شناخته شویم به حمایت مسئولین نیاز داریم.

شرایط بازیکنان غیر بومی تیم و قرارداد آنها چگونه است؟  
ما در خدمت دو بازیکن از مرودشت و چهار بازیکن از شهرهای همجوار (جویم و بنارویه) هستیم و قراردادمان به صورت توافقی است که تا به حال یک ریال هم به آنها

نداده ایم و واقعاً ما ممنون این بازیکنان هستیم که بدون هیچ چشمداشتی برای تیم بازی می کنند.

اتفاق خوبی که در این چند وقت اخیر افتاد این بود که این تهران شد. در این مورد توضیح می دهید؟

در مورد اسم تیم من زیاد تأکیدی روی این مساله ندارم که اسم تیم پرسپولیس باشد یا پیروزوی یا هلال احمر. مهم این است که ما توانسته ایم مجموعه ای را دور هم جمع کنیم و اگر هر ارگانی ما را حمایت کند و نام تیم تغییر یابد هیچ ایرادی ندارد. خوب، ما سفری داشتیم به دبی و در آنجا دیداری با سردار رویانیان در رابطه با اسم تیم داشتیم و جناب سردار از این قضیه استقبال کردند. بعد سفری به تهران داشتیم و در آنجا با معاون باشگاه پرسپولیس آقای پورحسن دیداری داشتیم و همچنین به صورت تلفنی با آقای رویانیان در ارتباط بودیم و در آنجا مجوز تغییر نام باشگاه به ما داده شد و عنوان شد که تیم پرسپولیس گراش در کنار تیم های پرسپولیس قائمشهر و پرسپولیس ورامین با نام پرسپولیس اجاره ی فعالیت دارد. در حال حاضر پیگیر مسائل تغییر نام در اداره ثبت اسناد هستیم.

اگر هلال احمر وضعیت مالی خوبی ندارد، بهتر نیست بروید زیر نظر ارگانی دیگر مثل شهرداری که وضعیت مالی بهتری دارد؟

در شروع امسال شهرداری مبلغ سه میلیون تومان به ما کمک کرد که جا دارد از شورای اسلامی شهر و شهردار محترم تشکر کنیم. تیم های زیادی هستند که تحت پوشش شهرداری هستند و خوشبختانه نگاه شخص آقای شهردار در رابطه با ورزش نگاه مثبتی است و حتی ایشان در زمینه ی مینی بوس نیز ما همکاری کردند. و امیدوار هستیم که در نیم فصل دوم شهرداری و شورای شهر از این تیم حمایت کنند. خاطره ای را برایتان نقل می کنم که شاید کمی تلخ باشد: ما برای قرعه کشی لیگ رفته بودیم فدراسیون و در آنجا مسئول لیگ سه که نمی دانست گراش در کجای نقشه قرار دارد، گراش را در شرق کشور جست و جو می کرد پس ما اگر قرار باشد دیده شویم و شناخته شویم به حمایت مسئولین نیاز داریم.

شرایط بازیکنان غیر بومی تیم و قرارداد آنها چگونه است؟

ما در خدمت دو بازیکن از مرودشت و چهار بازیکن از شهرهای همجوار (جویم و بنارویه) هستیم و قراردادمان به صورت توافقی است که تا به حال یک ریال هم به آنها

نداده ایم و واقعاً ما ممنون این بازیکنان هستیم که بدون هیچ چشمداشتی برای تیم بازی می کنند.

اتفاق خوبی که در این چند وقت اخیر افتاد این بود که این تهران شد. در این مورد توضیح می دهید؟

پیش نهاد سریال



تیم بزرگسالان هلال احمر گراش- مکتب، محمد مجید افشار



تیم جوانان هلال احمر گراش- مکتب، علی اصغر صداتی

وضعیت تیم جوانان چگونه است؟  
تیم جوانان هلال احمر با توجه به اینکه سال گذشته قهرمان لیگ دسته اول استان شد، امسال به عنوان اولین تیمی است که از گراش در مسابقات لیگ برتر شرکت می کند و در حال حاضر صدرنشین مطلق لیگ برتر است.

نتایج تیم کمی غیر طبیعی به نظر می رسد. اگر صادقانه به این سوال جواب دهید، تیم صفر سن ندارد؟

به هیچ وجه. ما اصلاً به دنبال این مسائل نیستیم و اگر کسی به ما دنبال این مسائل باشد به شدت با او برخورد می کنیم.

یکی از بازیکنان خوب تیم جوانان سعید بلاغی است که همزمان در تیم بزرگسالان هم بازی می کند. این مساله از لحاظ قانونی منعی ندارد؟

خیر. فدراسیون این اجازه را داده که می توان همزمان از ۱۰ بازیکن جوانان برای بزرگسالان و ۱۰ بازیکن

تیم جوانان هلال احمر با توجه به اینکه سال گذشته قهرمان لیگ دسته اول استان شد، امسال به عنوان اولین تیمی است که از گراش در مسابقات لیگ برتر شرکت می کند و در حال حاضر صدرنشین مطلق لیگ برتر است.

نتایج تیم کمی غیر طبیعی به نظر می رسد. اگر صادقانه به این سوال جواب دهید، تیم صفر سن ندارد؟

به هیچ وجه. ما اصلاً به دنبال این مسائل نیستیم و اگر کسی به ما دنبال این مسائل باشد به شدت با او برخورد می کنیم.

یکی از بازیکنان خوب تیم جوانان سعید بلاغی است که همزمان در تیم بزرگسالان هم بازی می کند. این مساله از لحاظ قانونی منعی ندارد؟

خیر. فدراسیون این اجازه را داده که می توان همزمان از ۱۰ بازیکن جوانان برای بزرگسالان و ۱۰ بازیکن

نداده ایم و واقعاً ما ممنون این بازیکنان هستیم که بدون هیچ چشمداشتی برای تیم بازی می کنند.

اتفاق خوبی که در این چند وقت اخیر افتاد این بود که این تهران شد. در این مورد توضیح می دهید؟

میلاد لارستان  
«شهرداری را به دو ناحیه تقسیم کنید». این پیامی است که بالای صفحه اول میلاد لارستان شماره ۲۲۲، هفته دوم آذر، احتمالاً از زبان مدیران نشریه نوشته شده است.  
اما شماره ۲۲۴ میلاد، هفته چهارم آذر، تیتیر جالب تری دارد که به شهرستان گراش هم از لحاظ اداری مرتبط است: «ارتقای نمایندگی میراث فرهنگی لارستان به اداره». قرار است از نظر نیروی انسانی و بودجه نیز این اداره وضعیت بهتری پیدا کند. حضور دکتر ایمانیه رییس دانشگاه علوم پزشکی شیراز در لار و اوز (بدون حتی نام بردن از گراش، در حالی که هر سه دانشکده ی لار و اوز و گراش هم سطح اند) برای کلتورزنی و افتتاح چند پروژه و برگزاری جلسه پرسش و پاسخ با دانشجویان، از خبرهای صفحه آخر این شماره میلاد هستند.  
اخبار ارتقا این روزها در لارستان زیاد به گوش می رسد و این بار نوبت فرودگاه بین المللی لارستان است که به اداره کل ارتقا یابد. در ادامه این خبر، گزارش مشرووحی از دکتر جعفر پور، نماینده مجلس، درباره ی روند پیگیری این ارتقا از چند سال پیش (که حتی نماینده ی بندرلنگه هم در آن سهمیه بوده، ولی علی اصغر حسینی نه) منتشر شده است. خبر جالب صفحه آخر هم سفیدپوش شدن قلعه کوه شب در روستای زاهدحمود به خاطر بارندگی ۲۶ آذرماه است.  
گفتنی است که میلاد به تازگی پایگاه اینترنتی خود را هم به آدرس www.miladelarestan.ir راه اندازی کرده است.

صحبت نو  
صحبت نو که به گواه «حرف آخر» به قلم سردبیرش نتوانسته است در این شماره های اخیر، توقعات خوانندگان اش را در مورد «داغ بودن» برآورده کند، در شماره ۲۲۳، هفته چهارم آذرماه، چند مطلب انتقادی منتشر کرده است، از جمله در مورد جایگاه لارستان در میراث فرهنگی فارس، مدیریت آینده ی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لارستان، و همچنین وضعیت پزشکان خانواده بیمه روستایی؛ و دکتر رحیمی نژاد هم کم کاری اش را در این شماره با نوشتن سرمقاله جبران کرده است و در آن پیشنهاد کرده است که «جمع توسعه جنوب فارس تشکیل شود». ولی تمرکز و تیتیر اصلی این شماره به مصاحبه با عبدالله محبی، مدیر کل لارستانی شرکت پخش فرآورده های نفتی استان هرمزگان و شهردار اسبق لار، اختصاص دارد. به مناسبت نه ساله شدن انجمن شعر آفتاب، تمام صفحه ی فرهنگ و هنر این شماره به شعرهای اعضای این انجمن اختصاص یافته است.

عصر اوز  
مدتی است که سیاست گذاری نشریه عصر در مورد مطالب اش کمی تغییر کرده و به سمت مطالب بلندتر و البته انتقادی تر چرخیده است. این را می توان از مطالب اصلی شماره ۱۴۶، دی ماه ۹۱، هم دریافت: بیشتر صفحه دو، یعنی صفحه اخبار، را دو گزارش بلند از دیدار جمعی از مردم و مسئولان اوز با نماینده ولی فقیه و امام جمعه لارستان، و همچنین سخنان دکتر ایمانیه رییس دانشکده علوم پزشکی شیراز به خود اختصاص داده است. در صفحه ۳ نیز دو گزارش بلند از «نظرات متخصصان و مربیان مهدکودک های اوز» و همچنین «مهاجرت، پدیده های کهن در آموزش و پرورش منطقه اوز» خواندنی اند. در ادامه گفتگوهای صریح چند شماره اخیر عصر اوز، این بار مصاحبه گران نشریه به سراغ دکتر کیانی لاری، رییس بیمارستان امیدوار اوز رفته اند مثل مصاحبه بلندی با او ترتیب دهند. گفتگوی جالبی هم با یک خانم نان بز محلی در صفحه ۱۱ چاپ شده است. مطالب جوانانه ی صفحاتی مثل نیمکت و نسل پویا هم خوانندگان خاص خودش را جذب می کند.

یک شرکت معتبر تولیدی محصولات غذایی و بهداشتی از یک نفر بازارباب بومی واحد شرایط جهت شهرستان گراش، لار و تابه با حقوق ثابت (۱ میلیون تومان به اضافه پورسانت و بیمه دعوت به همکاری می نماید.

۰۹۳۶ ۸۱۴ ۳۹۲۸ — ۰۹۱۷ ۷۱۹ ۷۱۱۴

به یاد لیخند دوباره تو صمیمیت دوستیمان را پیشکش قلب مهربانت میکنیم. شهرام جان دی دی روز نگاه قشنگ دوباره نوست. تولدت مبارک

تقدیمی: دوست تو عباس عسکری

**گروه صنعتی آرشیستا**

با پروفیل های نسل آینده (۴ جداره) با قیمت مشابه، امروز فردا را تجربه کنید.

(آ) دریافت تندیس کار آفرین نمونه در کنگره ملی بزرگان پاسخگویی و رضایتمندی مصرف کنندگان در مرکز همایش های بین المللی سازمان صدا و سیما تهران

(ب) عضویت در سازمان نظام مهندسی استان فارس

(ج) اخذ گواهی نامه بین المللی سیستم مدیریت زیست محیطی ISO 4001

(د) اخذ گواهی نامه بین المللی سیستم مدیریت مشتری مداری و کیفیت ISO 9001

(و) اخذ گواهی نامه بین المللی سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی OHSAS 18001

(ه) اسپانسر اصلی اولین نمایشگاه تخصصی بهینه سازی مصرف انرژی در استان هرمزگان ۹۰

گروه صنعتی آرشیستا  
۰۷۸۲۲۲۲۰۹۵۵

بدین وسیله از مردم ولایی زینل آباد که در دهه ی اول ماه محرم در هیئت مذهبی علمدار کربلا فعالیت پرشوری داشته و از روحانی اعزامی از سازمان تبلیغات گراش و همچنین هیئت جئاتاران حیدر کرار شهرستان گراش تقدیر و تشکر داریم.

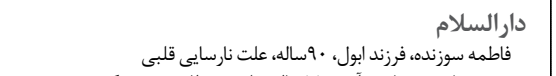
منوچهر پورشمسی مسئول هیئت علمدار کربلا و هیئت امانا حسینیه سیدالشهدا (ع) (زینل آباد)





نخل‌ها در انتظار مینی‌بوس عکس: مهدی قنبری- اچمن‌نت

افشار: فرج کردیم و صندوق پستی نصب کردیم ولی مثل این که مسئول توزیع قبض راحت‌تر است که آن‌ها را زیر برف پاککن ماشین بگذارد. کم شد هم به درک



شب چهارشنبه آخر ماه سفر عکس: سعید سرخی

دارالسلام  
فاطمه سوزنده، فرزند ابول، ۹۰ ساله، علت نارسی قلبی محمد دل‌پیشه، فرزند داهن، ۸۸ ساله، علت سرطان روده بزرگ زینب فتاحی، فرزند کرابلی حسین، ۹۰ ساله، علت ذات‌الریه محمد محمودزاده، فرزند محمود، ۸۸ ساله، علت فلج مغزی نوزاد طرافت، علت سقط جنین تقی قنبر پور، فرزند قنبر، ۹۹ ساله، علت کهولت سن حسن علی سلیمی، فرزند غلامحسین، ۵۳ ساله حسین شوری، فرزند اصغر، ۱۹ ساله، علت ضربه مغزی ناشی از تصادف نوزاد پورشمسی، فرزند احمد، علت نامشخص نوزاد بردباری، فرزند محمد، مرده‌زایی

دارالرحمه  
نوزاد دولوی دهقانی، فرزند میثم، علت نارسی جنین سکینه سپهر، فرزند غلامحسین، ۶۲ ساله، علت کهولت سن نوزاد میر، فرزند غلامعباس، علت سقط جنین احمد نظری، فرزند غلامحسین، ۷۹ ساله، علت ایست قلبی نوزاد بهزادی، فرزند الهیار، علت مرده‌زایی

### شماره بعد

نوستالژی همان «پادشاه به خیر» خودمان است. برای یکی از شماره‌های بعد به سراغ این غم خوب می‌رویم. شما هم می‌توانید از چیزهایی که حالا خاطره شده‌اند برای ما عکس بگیرید و بفرستید. چیزهایی مثل «مایه تئل»، «بوت»، «دفتر مشق قدیمی»، «آفتابه مسی» و این جور خرت و پرت‌هایی که گوشه‌ی انباری یا کمد افتاده و هر وقت به سراغ آن می‌روید خاطره‌های تان زنده می‌شود.



عکس مرتبط با این گزارش نیست- عکس از رضا محمدی

### فاطمه یوسفی تحریریه بانوان

واحدای صنفی بدون پروانه کسب در گراش به زودی پلمب خواهد شد. پروانه کسب یعنی «مجوز برای انجام کاری مشخص و معین از طرف اتحادیه صنف آن شغل».

شهرداری یا امور صنفی طبق گفته‌ی حسینعلی فولادی مسئول مجمع امور صنفی یک سال‌ونیم از تشکیل اتحادیه دوازده‌گانه مجمع امور صنفی که کار نظارت بر فعالیتهای امور صنفی را دارد، می‌گذرد. او گفت: بعد از رسیدگی و حل کردن مشکلات ابتدایی مثل مشکل پایان کار ساختمان که قبلاً زیر نظر شهرداری بود و صدور بسیاری از مجوزها را به تعویق انداخته بود دغدغه‌ی اصلی اتحادیه اقدام نکردن به موقع

مشکلات صدور پروانه کسب بوده است تا جایی که عده‌ی زیادی از مردم هنوز برای کسب مجوز به شهرداری مراجعه می‌کنند و متأسفانه شهرداری نیز با مجمع تعامل و همکاری مناسبی ندارد و توجه به این که دادن مجوز خارج از حیطه‌ی کاری آن‌ها محسوب می‌شود گاهی حتی هزینه‌ای را از مراجعه‌کنندگان می‌گیرند و این باعث بروز مشکلاتی شده است ولی با وجود اقدامات ما برای اطلاع‌رسانی به مردم از این به بعد مسئولیت پیامدها و متضرر شدن احتمالی آن‌ها با خود مردم است. با شهرداری در این رابطه تماس تلفنی داشتیم زمانی از کارکنان می‌گویند ده سال است که از نظر قانونی مسئولیت دادن پروانه کسب برعهده‌ی مجمع امور صنفی است اما قبل از دادن مجوز از نظر قانونی باید از چند اداره استعلام داشته باشد مثل شهرداری، اماکن، اداره بهداشت و انگشت‌نگاری تا از نظر فنی مورد

# شماره بعد

شماره دوازدهم. دی ۱۳۹۱



## افسانه شما

امیر: جاده چک چک رویه تعطیلی است ۴۰۰ میلیون بودجه برای ۴۰ کیلومتر جاده مشخص کار به جایی نمی‌رسد و چون گراش نماینده‌ای در مجلس ندارد هیچ امیدی به اتمام کار دست کم طی ۴ سال آینده نیست. جاده چک چک به بودجه‌ای بیش از ۱۰ میلیارد تومان نیاز دارد.

روابط عمومی جشنواره کل: جشنواره فیلم کوتاه کل گراش در حالی نهمین دوره خود را برگزار می‌نماید که علی‌رغم قول مساعدت مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص اختصاص هزینه‌های بالغ بر بیست و چهار میلیون تومان، تنها هفت میلیون و هشتصد هزار ریال در اختیار دارد. هیات برگزارکننده‌ی جشنواره که تیمی متشکل از هشتاد نفر علاقه‌مند است و هر سال این جشنواره را برگزار می‌نماید، در حالی با تردید این مهم را دنبال می‌کند که سال گذشته بدون احتساب تورم موجود در جامعه، بیست میلیون و پانصد هزار تومان به آن اختصاص داده بود. جشنواره با این موجود تلاش می‌کنیم که به آن اختصاص داده بود. جشنواره را ۱۰ و ۱۱ اسفندماه برگزار کنیم.

## گزارش

# ۳۰ دی آخرین مهلت گرفتن پروانه کسب

تایید قرار گیرد و یا عوارض سالیانه کسب به آن تعلق بگیرد، زمانی در ادامه بیان کرد که در زمینه استعلام از شهرداری مجمع امور صنفی عملکرد ضعیفی دارد. ۳۰ آرایشگاه زمانی فولادی در زمینه اولویت‌بندی برای پلمب واحدهای صنفی گفت: متأسفانه شهرداری نیز با مجمع برای اقدام اول به سراغ واحدهایی می‌رویم که قدمت بیشتری دارند و مدت زمان طولانی‌تری بدون مجوز شروع به فعالیت کرده‌اند و طی دومرتبه اخطار در صورت اقدام نکردن برای کسب مجوز پروانه را به اماکن تحویل می‌دهیم. اداره اماکن هم پس از یک بار اخطار قبیل از پلمب به مدت پانزده روز برای کسب مجوز به آن‌ها مهلت می‌دهد و بعد از آن واحد مورد نظر پلمب خواهد شد. که برای رفع پلمب آن باید مبلغی را به عنوان هزینه پلمب و رفع فک پلمب به اداره اماکن پرداخت شود و تا این مدت بیشترین پلمب‌ها مربوط به آرایشگاه بانوان بوده است، چیزی حدود دویست آرایشگاه بانوان در دریافت کنند.

## گزارش اکه‌ی



حجت‌الاسلام سعید زین‌الدینی - رئیس اداره اوقاف و امور خیریه گراش

باعث ایجاد زمینه در تمام عرصه‌ها برای فعالین و خیرین گردیده است. متولیان و واقفان نیز بدانند که هم‌دوش آن‌ها اداره اوقاف از حقوق موقوفات حفاظت و صیانت خواهد نمود و درهای از آن کوتاهی نخواهد کرد زیرا آن را وظیفه شرعی و قانونی خود می‌داند. البته ما به وضع موجود راضی نخواهیم بود و مقدماتی برای توسعه سرمایه‌گذاری از عواید موقوفات را نیز در سطح شهرستان در برنامه خواهیم داشت. **گام‌هایی از برخی اقدامات اوقاف شنیده می‌شود نظر شما در این مورد چیست؟** البته با وجود تمام زحمات و فعالیت‌های در خور ظرفیت اداره اوقاف اعم از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و اجرای نیات واقفین، صحبت‌های کذب و نادرست در مورد مجموعه اوقاف گفته می‌شود که ارزش پاسخ گفتن را ندارد. **شما در مورد شناسایی موقوفات صحبت کردید. آیا همه زمین‌های وقتی در اختیار اوقاف قرار دارد؟** بازخوانی وقف نامه‌ها و مشورت از معتمدین و متدینین و ریش‌سفیدان گراش برای شناسایی موقوفات را انجام داده‌ام. تاکنون بیش از ده موقوفه جدید شناسایی گردیده که پس از اطمینان خاطر به سهم به‌شهریان خواهد رسید. **مجموعه اوقاف گراش با در اختیار قرار دادن عرصه و زمین بیش از بیست مدرسه، عرصه و زمین مجموعه تربیت بدنی و استادیوم آن، در اختیار قرار دادن زمین برای فعالین اقتصادی-ادارات و حسینی و اماکن خیریه و قرآنی یکی از نهادهایی است که در سطح شهر بیشترین فعالیت فرهنگی- ورزشی را به شهر نموده است ولی همیشه هم مظلوم واقع گردیده است. این اراضی بدون پرداخت پذیره و آکتفا به اجاره حداقل سالیانه وجود آمده است؟**

## گفتگو با حجت‌الاسلام سعید زین‌الدینی رئیس اداره اوقاف و امور خیریه گراش

# حفاظت از موقوفات را وظیفه شرعی و قانونی خود می‌دانیم

است که این اداره به شدت آن را تکذیب و برای سرمنشأ این شایعات نیز در محکمه پرونده تشکیل شده و تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. دو گروه مهندسی تشکیل گردیده و با هزینه بالغ بر سی میلیون تومان نقشه آبنابرها در اراضی ملی را تهیه و با ثبت نقشه ثابت utm آن تمام اسناد و مدارک را آماده نمودند و در کار گروه ویژه استانی با حضور مدیر کل محترم منابع طبیعی، مدیر کل محترم اوقاف و امور خیریه فارس حضرت حجت‌الاسلام‌المسلمین حسینی مقدم تایید گردید. و آبنابرها و وقتی و حریم آن‌ها و قبرستان‌ها و سایر موارد با مساحتی بالغ بر هفتصد هکتار به موقوفات ملحق گردید. از تمامی هم‌شهریان عزیز و مردم متدین تقاضا می‌شود قبل از هرگونه احداث بنا و ساختمان و غرس اشجار در نزدیکی آبنابرها و وقتی و اداره اوقاف و امور خیریه هماهنگ نمایند تا حقی از مردم و موقوفات ضایع نگردد. **در این مدت چه تعداد سند برای موقوفات صادر شده است؟** در بیست و هشت سال گذشته تنها بیست سند که شامل مساجد بود از اداره ثبت اسناد سند اخذ گردید. ولی با توجه به رهنمودهای نماینده محترم ولی‌فقیه تصمیمی جدی برای اخذ اسناد مالکیت موقوفات گرفته شد و در سال ۹۰ تعداد صد و سی جلد سند و در شش ماهه سال ۹۱ پنجاه سند اخذ گردید که بیشتر موقوفاتی بود که در معرض تصرف زمین‌خواران محترم و بزرگوار قرار گرفته بود. شایسته است که از زحمات و همکاری‌های جناب آقای نخعی ریاست محترم ثبت اسناد و املاک لا‌رستان تقدیر به عمل آورم. **تبدلات مالی اداره از چه طریقی انجام می‌شود؟** سامانه بانک اطلاعات جامع موقوفات کشور که اداره اوقاف گراش تمامی اطلاعات خود را وارد این سامانه نموده و تماماً دریافت و پرداخت از طریق موسسه راسخون وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه و با همکاری بانک ملی ایران صورت می‌گیرد و شفافیتی مالی زیادی که برای مجموعه اوقاف به همراه آورده است. **آیا تغییر در اجاره املاک موقوفه نیز به وجود آمده است؟**

۲۱ تا ۲۷ دی‌ماه امسال به نام هفته وقف نام‌گذاری شده است. رئیس جوان اداره اوقاف گراش به مناسبت هفته وقف لازم دید در این گفتگو نکاتی را درباره عملکرد اداره اوقاف و امور خیریه گراش بیان کند. هفته وقف امسال با شعار همه واقف باشیم به ترتیب زیر نام‌گذاری شده است: ۲۱ دی: وقف ترویج فرهنگ قرآن و معارف معصومین ۲۲ دی: وقف، احیای سنت نبوی و سیره علوی ۲۳ دی: وقف، ولایت و تداوم بیداری اسلامی ۲۴ دی: وقف، اقتصاد، افزایش بهره‌وری موقوفات ۲۵ دی: وقف، عدالت و نیازهای اجتماعی ۲۶ دی: وقف و قطب فرهنگی شدن بقاع متبر که ۲۷ دی: وقف، بانوان و توسعه احسان ماندگار

**وقف چه جایگاهی در فرهنگ و دین ما دارد؟** وقف کار مقطعی و زمان‌بر، انسان را تبدیل به ابدی می‌کند و انسان با ابدیت آن تا قیامت منتعم است. آن قدر وقف و مال موقوفه از گذشته تا به حال مورد توجه بوده که حتی بزرگی چون مرحوم حافظ به آن پرداخته است. **بخواد دفتر اشعار و راه صحرا گیر چه وقت مدرسه و بحث کشف کشف است فقیه مدرسه‌ی دی مست بود و فتوی داد که می‌حرام ولی به زمال اوقاف است به درد و صاف تو را حکم نیست خوش درکش که هر چه ساقی ما کرد عین الطاف است در زندگانی حضرت امیر آن چنان وقف اهمیت دارد که بعد از چهارده قرن هنوز نخلستان‌های موقوفه امیرالمومنین (ع) پابرجاست و شیعیان منطقه از آن آرزای می‌کنند. سخاوت و گشاده‌دستی یکی از صفات برجسته و متعالی انسان‌هاست. صفتی که محدود به هیچ دوره زمانی یا منطقه جغرافیایی نشده است. وقف به مثابه‌ی ترازویی است که با آن می‌توان درجه ایمان قلبی و ویژگی‌های انسانی افراد یک جامعه را به خوبی بسنجید. وجود تعداد فراوان موقوفه یک شهر بیانگر اعتدالی ایمان و اعتقاد دینی ساکنان آن شهر به مبانی شرعی است. **در ایران سابقه وقف به چه دوره‌ای بر می‌گردد؟** در ایران اسلامی مخصوصاً در دوره صفویه آن قدر سنت وقف و قرار دادن پشتوانه دائمی برای حوزه‌های علمیه و مجالس اهل بیت شکوفا گردید که در وقف‌نامه‌ای که در آستان مقدس حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها وجود دارد واقف نقل می‌کند که از اصفهان تا به قم حرکت کردم و خواستم زمینی را بخرم و وقف کنم اما ملک غیرموقوفه پیدا نکردم این شکوایی و رواج ادامه داشت تا زمان رضا خان که مانند سایر زمینه‌های دیگر شاهد خمودی و بی‌بنگی وقف در جامعه می‌شویم. بسیاری از اراضی در دوره‌ی رضا خان به دلیل از**



عمایش وقف احسان ماندگار - بهمن ۱۳۹۰



